

## چرا اعلامیه مشترک درباره تحریم انتخابات را امضاء نکردیم؟

### اسناد مباحثات سازمان ما درون "شورای نمایندگان نیروهای چپ و

#### کمونیست"

اسناد زیر نوشته های روابط عمومی سازمان ما، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) پیرامون مباحثات درون شورای نمایندگان نیروهای چپ و کمونیست در ارتباط با اعلامیه تحریم انتخابات است که به همراه اعلامیه هیئت اجرائی سازمان تحت عنوان «تحریم از کدام سو؟ چرا اعلامیه" شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" درباره تحریم انتخابات را امضاء نکردیم؟» منتشر می شود. در طی این مباحثات البته نیروهای دیگر عضو شورا نیز نوشته هائی مبادله کردند که انتشار آن ها به عهده خود آن ها و یا انتشار همه آن ها در یک مجموعه در بولتن علنی مباحثات شورای نمایندگان است.

#### فهرست نوشته ها

مقدمه :

نوشته اول: چهارشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۶ برابر با ۱۲ آوریل ۲۰۱۷

نوشته دوم: جمعه ۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۱ آوریل ۲۰۱۷

نوشته سوم: یکشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۳ آوریل ۲۰۱۷

نوشته چهارم: دوشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۴ آوریل ۲۰۱۷

نوشته پنجم: پنجشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۷ آوریل ۲۰۱۷

نوشته ششم: جمعه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۸ آوریل ۲۰۱۷

نوشته هفتم: جمعه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۸ آوریل ۲۰۱۷

نوشته هشتم: شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۹ آوریل ۲۰۱۷

نوشته نهم: شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۰۶ می ۲۰۱۷

نوشته دهم: یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۰۷ می ۲۰۱۷

مؤخره:

مقدمه :

انتقاداتی که "درباره پیش نویس اعلامیه تحریم ارائه شده توسط حزب کمونیست ایران" توسط ما مطرح شد توانست مسئله مرزبندی با نیروهای تغییر رژیم (regime change) و جنگ نیابتی را به طور جدی در درون شورای نمایندگان مطرح سازد. این مباحثات، که تا تصویب پیش نویس به عنوان اعلامیه بخشی از اعضای شورا یک ماه تمام ادامه یافت، همه نیروهای درون شورا را به طور آگاهانه در برابر موضع گیری در قبال نیروهای تغییر رژیم (regime change) و جنگ نیابتی، که مهم ترین اختلاف ما با پیش نویس ارائه شده توسط حزب کمونیست ایران بود، قرار داد.

این اسناد که با توالی تاریخی آورده شده است نشان می دهد که چگونه حزب کمونیست ایران تلاش کرده است تا "شورای نمایندگان نیروهای چپ و کمونیست" را به اتحاد عمل شش سازمان کردستانی منضم کند. بخشی از سازمان های کردستانی که اعلامیه مشترک تحریم انتخابات نیروهای کرد را امضاء کرده اند نظیر حزب دمکرات کردستان ایران، حزب کومله کردستان و... از طرفداران برقراری منطقه پرواز ممنوع، حمله نظامی و شرکت کنندگان در جنگ نیابتی حمایت شده توسط ارتجاع منطقه و امپریالیسم هستند. در پرتو این اسناد به شکل مستند می توان به حقایق زیر پی برد.

۱- چگونه حزب کمونیست ایران تلاش کرده است تا از طریق ارائه اطلاعات متناقض، غلط و نادرست درباره روند اتحاد عمل آن ها با سازمان های کرد، که اکنون اذعان می کنند چند ماه قبل در حال تدارک بوده است، اعلامیه تحریم مشترک نیروهای چپ و کمونیست را، قبل از انتشار اعلامیه تحریم با سازمان های کرد، به امضاء رسانده و به این شکل نیروهای چپ و کمونیست را در برابر عمل انجام شده قرار دهد؛ اقدامی که مابه ازاء سیاسی آن انضمام "شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست" به اتحاد عمل با نیروهای تغییر رژیم (regime change) و جنگ نیابتی است.

۲- پیوستن داوطلبانه به "جبهه ملی کرد" برای به صف شدن طرفداران منطقه پرواز ممنوع تا مخالفان آن؛ در یک "جبهه واحد ملی"؛ برای یک اتحاد عمل سیاسی سراسری (تحریم انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شوراها اسلامی در سراسر ایران) را به شکل ناشیانه و غیر قابل دفاعی، بپوشاند.

۳- این واقعیت را که این اقدام سیاسی، اعلامیه مشترک با سازمان های کرد، الویت دادن به "جبهه ملی کرد" در برابر قطب چپ و طبقاتی سراسری است را پوشانده و توجیه کند. بلوک چپ و طبقاتی که در برگیرنده همه احاد اردوی کار و زحمت ایران از کرد، ترک، فارس، عرب، بلوچ و ترکمن، .... صرف نظر از وابستگی های ملی، مذهبی، جنسیتی در یک جبهه واحد طبقاتی برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومت اکثریت

عظیم برای عملی ساختن آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم است. و سرنگونی انقلابی نه فقط سرنگونی کلیت رژیم جمهوری اسلامی بلکه همچنین سرنگونی توسط اکثریت مردم بوده و با سرنگونی نیروهای تغییر رژیم (regime change) و جنگ نیابتی از طریق آویزان شدن به قدرت های ارتجاعی منطقه ای و جهانی مرزبندی آشکار، شفاف و روشن دارد.

۴- این سیاست خود را به مثابه یک چرخش استراتژیک و برنامه ای، که در عین حال در مغایرت کامل با سنت های چپ و کمونیستی کومه به شمار می رود، به عنوان "اتحاد عمل منطقه ای" با نیروهای " به اصطلاح ناسیونالیستی" توجیه کند.

۵- پس از دو هفته اصرار و مقاومت در مرزبندی با نیروهای تغییر رژیم برای گرفتن امضاهای اعضای شورای نمایندگان پارگراف پیشنهادی ما را با حذف جوهر اصلی آن وارد پیش نویس کند. پارگراف پیشنهادی ما برای اصلاح پیش نویس به قرار زیر بود:

" بخشی دیگر از اپوزیسیون **نیز نظیر باند رجوی، احزابی نظیر حزب دمکرات کردستان ایران و نظائر آن ها، رضا پهلوی و شورای سلطنت، نویسندگان نامه سی نفر به ترامپ... و تمامی** اردوی رنگارنگ تغییر رژیم که به قدرت های امپریالیستی و در راس آن ها حکومت ترامپ و نیز ارتجاع منطقه نظیر عربستان، اسرائیل و شرکاء آویزان شده اند، خواهان تحریم و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند اما آن ها خواه ناخواه یا هموار کننده نظام استبدادی و سرکوبگر دیگری هستند که نمونه شاخص آن را مردم ایران در طول پنجاه سال حکومت پهلوی تجربه کرده اند- و بی تردید نظام جمهوری اسلامی نیز فرزند خلف آن میباشد- **و یا پیامد عملکرد شان ویرانی کامل کشور در آتش و خون جنگ های منطقه ای و فرقه ای بی پایان است که شاهد آن اوضاع کشورهای در حال سقوط و از هم پاشی نظیر افغانستان، عراق، سوریه، لیبی و یا یمن می باشند.** بنابراین سرنگونی مورد نظر این نیروها نه انتقال قدرت سیاسی به اکثریت مردم بلکه انتقال قدرت از ارتجاع حاکم به ارتجاع ضد مردمی و خطرناک دیگری برای آینده کشور است."

حزب کمونیست ایران اما با حذف بخش قرمز شده اولاً، نام این نیروها را حذف کرد و ثانیاً، عملکرد آن ها را- ویرانی در آتش جنگ های داخلی فرقه ای و از هم پاشی کشورها- را نیز از پی حذف اسامی، حذف کرد و بنابراین مرزبندی را به یک مرزبندی بی خاصیت مبدل ساخت.

**موضع نیروهای دیگر درون شورای همکاری!**

نکته مهم دیگر نحوه موضع گیری نیروهای درون شورای نمایندگان در قبال نیروهای تغییر رژیم (regime change) و جنگ نیابتی باتوجه به پیش برد اتحادعمل موازی حزب کمونیست ایران برای انضمام شورا به این نیروها بود. بخشی از نیروها درون شورا مانند سازمان ما در شرایطی حاضر بودند این پیش نویس را امضاء کنند که مرزبندی بی ابهام، قاطع و روشنی با نیروهای تغییر رژیم (regime change) و جنگ نیابتی وارد اعلامیه شود. البته در آن صورت، یعنی آوردن عین پاراگراف پیشنهادی ما، کماکان انتقاد ما به حزب کمونیست ایران به عنوان سیاست نشستن میان دو صندلی همچنان پا برجا و به شکل علنی مطرح می شد.

بخش دیگر اعضای شورا اما با آگاهی از همه جوانب مسئله طی یک ماه کامل مباحثات درونی با موضع حزب کمونیست ایران همراه شدند و به این ترتیب به اتحادعملی- به بهانه تحریم- تن دادند که معنای آن انضمام به اردوی نیروهای تغییر رژیم (regime change) و جنگ نیابتی است. آش دست پخت حزب کمونیست ایران البته آن قدر شور بود که هیچ نیروئی نمی توانست مخالفت با سیاست حزب کمونیست ایران در حرف را به زبان نیاورد تا همراهی خود با این سیاست در عمل را در پرده دود به پوشاند.

طبعاً این نیروها خود پاسخ گوی موضع شان در برابر کارگران و روشنفکران آگاه، فعالان چپ و کمونیست و هر دمکرات و آزادی خواهی در جامعه ما خواهند بود. آیا امتناع از مرزبندی روشن و قاطع با نیروهای تغییر رژیم (regime change) و جنگ نیابتی که ترازنامه آن ها را در سرنوشت فاجعه بار کشورهایی مانند عراق، سوریه، لیبی، یمن و... شاهدیم هیچ قرابتی با دفاع از نه فقط طبقه کارگر و سوسیالیسم، و نه فقط از مبانی اولیه آزادی و دمکراسی بلکه حتی شرایط بقای یک جامعه دارد؟ آیا در جوامعی نظیر سوریه، عراق، یمن، لیبی و ... که در کام از هم پاشی و بربریت دست و پا میزنند می توان کورسوئی از دمکراسی و سوسیالیسم مشاهده کرد؟ این سئوالی است که امضاء کنندگان این اعلامیه موظف به پاسخ گوئی در برابر افکار عمومی هستند.

### نوشته اول :

از روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

چهارشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۶ برابر با ۱۲ آوریل ۲۰۱۷

به شورای نمایندگان در باره پیش نویس اعلامیه تحریم انتخابات

با سلام به رفقای شورای نمایندگان درباره پیش نویس اعلامیه تحریم انتخابات

- همان طور که جلسه دهم آوریل شورای نمایندگان گفتیم هنوز نام نویسی انتخابات شروع نشده انتشار اعلامیه تحریم انتخابات بیگانگی در رویکرد به مقوله تاکتیک است که باید ماهر و مشخصات توازن قوا، شرایط و اضلاع واحوال مشخصی که تاکتیک در متن آن متبلور میشود را بر خود داشته باشد. اگر چند کلمه از این اعلامیه مانند نام روحانی و رئیسی حذف می شد این کلیشه می توانست در لااقل سی سال گذشته بدون توجه به شرایط مشخص در هر انتخابات در نظام جمهوری اسلامی تکرار شود. برای مثال محمود احمدی نژاد علیرغم توصیه رهبر رژیم جمهوری اسلامی ایران امروز ثبت نام کرد و وارد گود شد اما در اعلامیه اشاره ای به او نشده است. و بدین ترتیب آیا اعلامیه ای که حتی نام یکی از نامزدهائی را که دو دوره رئیس جمهور بوده در آن غایب باشد از نقطه نظر خواننده نمی تواند اعلامیه ای پرت و بی ربط به شرایط قلمداد شود؟ این واقعیتی است که در رژیم جمهوری اسلامی به مثابه یک رژیم دیکتاتوری انتخابات معنی ندارد زیرا مردم حق شرکت در انتخابات را دارند اما از حق انتخاب محروم بوده و هیچ کدام از ملزومات یک انتخابات واقعی و آزاد در رژیم جمهوری اسلامی وجود ندارد. اما با این وصف تحریم انتخابات، چون یک تاکتیک است، ضرورتاً از حاکمیت یک نظام دیکتاتوری استخراج نمی شود بلکه باید با ارزیابی مشخص از شرایط مشخصی که در متن آن تاکتیک تحریم یا شرکت مطرح می شود و رابطه آن با منافع جنبش کارگری و کل منافع جنبش پیکار برای آزادی و دموکراسی استخراج شود.

- نکته مهم دیگر در این پیش نویس آن است که اکثریت مردم ایران را همچنان متوهم به رژیم جمهوری اسلامی ارزیابی می کند زیرا نقطه عزیمت خود را بر این فرض نهاده است که جمهوری اسلامی ایران همچنان در میان اکثریت مردم دارای نفوذ هژمونیک است بنابراین آن ها را به مثابه بازیچه وارد بازی های انتخاباتی خود می سازد. اگر این فرضیه درست باشد رژیم جمهوری اسلامی دارای هژمونی در میان اکثریت مردم است و رژیمی که از چنین نفوذ توده ای برخوردار باشد سرنگونی اش نمی تواند در دستور روز باشد بلکه باید منتظر روزی بود که اکثریت مردم توهم خود را به رژیم از دست بدهند و آن گاه سرنگونی رژیم در دستور کار جنبش قرارگیرد.

- این ارزیابی نادرست ناشی از عدم تحلیل درست از وجه مشخصه شرکت مردمی (اکثریت شرکت کنندگان) است که در انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی شرکت می کنند. این بخش از مردم به جای تحریم انتخابات ترجیح می دهند در انتخابات شرکت کرده و علیه نامزد رهبر و دستگاه رهبری و به نفع نامزدی که در قطب مخالف نامزد و یا نامزدهای رهبری قرار می گیرد رای داده و به این وسیله مخالفت خود را بازتاب دهند. زیرا مردم ایران در طی قریب چهار دهه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی دریافته اند که ستون اصلی قدرت و حاکمیت در رژیم جمهوری اسلامی رهبر و دستگاه رهبری است و مخالفت با آن به مثابه اعلام مخالفت با کلیت رژیم جمهوری اسلامی است. انتخابات

سال ۸۸ صحت این ارزیابی را به یک فاکت غیرقابل تردید مبدل ساخته است. با تقلب دستگاه رهبری در انتخابات میلیون ها نفر از مردم با شعار "رای من کجاست" به خیابان آمده و پس از مدت کوتاهی "رای من کجاست" به شعار هائی مانند "انتخابات بهانه است کل نظام نشانه است"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر دیکتاتوری"، "مرگ بر رژیم ولایت فقیه" ارتقا یافت و رژیم جمهوری اسلامی یک سال تمام با امواج اعتراضات گسترده توده ای که در تمامی دوره موجودیت آن بی سابقه بود مواجه شد. در یک کلمه می توان وجه مشخصه اکثریت مردمی که در انتخابات رژیم جمهوری اسلامی شرکت می کنند را با شعار "انتخابات بهانه است کل نظام نشانه است" خصلت بندی کرد.

- در بیانیه نشست چهارم ما نیز همین مسئله در مورد انتخابات رژیم جمهوری اسلامی مطرح شده است. بیانیه می گوید: "همزمان تلاش میشود آرزوی تغییر رابه تنور انتخابات حواله داده و امید کاذب برون رفت از شرایط فلاکتبار کنونی از طریق انتخابات را در افکار عمومی جایگزین انقلاب اجتماعی کنند **درحالیکه اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی و همه جناحهای رنگارنگ آن هستند**". تاکید بر اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران اذعان این واقعیت است که اگر هم بیش از نیمی از حائزین دارای حق رای در انتخابات شرکت کنند مضمون شرکت آن ها "انتخابات بهانه است کل نظام نشانه است"، نشانه رفتن کل نظام و اعلام مخالفت با آن است نه توهم به این یا آن جناح از رژیم جمهوری اسلامی زیرا **اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی و همه جناحهای رنگارنگ آن هستند** و بنابراین علت شرکت اکثریت آن ها در انتخابات به معنای نه گفتن به کلیت رژیم بوده و از همین رو آن ها جناح های گوناگون را به بازیچه خود در اعلام مخالفت با کلیت رژیم مبدل می سازند. روشن است که این تاکتیک که در شرایط برانگیختگی فضای انتخاباتی از سوی توده های مردم به کار گرفته می شود می تواند از سوی رژیم نیز مورد بهره برداری قرار گرفته و می گیرد اما انتساب شرکت این بخش از مردم به توهم به رژیم و به مبدل شدن به بازیچه مضحکه انتخاباتی رژیم خطائی فاحش در درک واقعیت های رژیم جمهوری اسلامی و مخالفت اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران با کلیت رژیم و همه جناح های رنگارنگ آن می باشد.

- با روی کار آمدن ترامپ و اتخاذ مواضع سخت درقبال جمهوری اسلامی ، همسویی با عربستان و شرکا و اسرائیل در ارتباط با فشار و بازداری جمهوری اسلامی و تحرک دوباره سیاست تغییررژیم، علاوه برآن با سایه بازگشت مجدد تحریم ها به نظر می رسد که بهترین گزینه برای دستگاه رهبری عدم قطب بندی انتخاباتی و انتخاب مجدد روحانی است به طوری که رژیم بتواند از اتحادیه اروپا به عنوان ضربه گیری در برابر فشارهای دولت آمریکا استفاده کند. اما با ورود رئیسی خواه ناخواه قطب بندی انتخاباتی دامن زده شده است که باید نتایج آن را جدال جناح ها و اوضاع سیاسی به دقت مورد

بررسی قرار داد. بهر حال این بار انتخابات مانند انتخابات قبلی ریاست جمهوری همچنان به میزان زیادی تابع معادلات بین المللی و متاثر از آن خواهد بود... این مورد و سایر مواردی که بر روی داده‌های این انتخابات تأثیر می‌گذارد اصولاً نه مورد نظر پیش نویس است و نه پیش نویس وارد آن می‌شود و نه با چنین رویکردی درباره تاکتیک نیازی به پرداختن به این مسائل می‌بیند. آن چه که در پیش نویس وجود دارد یک سلسله کلیات جدا از متن حوادث برای اثبات درست بودن تحریم انتخابات است که مسلماً نمی‌تواند استدلال قانع‌کننده‌ای برای افزایش اردوی تحریم‌کنندگان در انتخابات باشد.

- تاکتیک ما با توجه به انتخابات های رژیم جمهوری اسلامی در متن ارزیابی از شرایط مشخص تحریم انتخابات بوده است. ما تلاش کرد ایم که از طریق استدلال صفوف تحریم را تقویت کنیم زیرا پیوستن کسانی که از طریق شرکت خود در انتخابات به کلیت رژیم نه می‌گویند به کسانی که از طریق تحریم انتخابات نه خود را بازتاب می‌دهند رژیم را به مراتب منزوی ساخته و امکان بهره برداری از بازی انتخاباتی را برای رژیم کاهش می‌دهد. اما این نوع تأثیر خود زمانی کارکرد دارد که کار ترویجی و تبلیغی در متن شرایط و فضای انتخاباتی و با ارائه دلائل مشخص صورت گیرد. برخورد کلیشه‌ای، جدول ضربی، بدور از متن اوضاع زنده حوادث و تحلیل مشخص نمی‌تواند با این بخش از مردم که مسلماً بخش‌هایی از اردوی کار و زحمت را نیز در آن قرار دارند، ارتباط واقعی برقرار سازد.

- در پیش نویس آمده است: "نیروهای اپوزیسیون بورژوازی درون و بیرون از حاکمیت و مدیای وابسته به آنها نیز که هراس شان از خیزش و انقلاب مردم کمتر از بیت رهبری و "اصولگرایان" نیست، این بار هم می‌کوشند با توجیحات و بهانه‌های واهی بخشی از این مردم را به "امید" بهتر شدن اوضاع و با قرار دادن آنها در مقابل گزینه "بد" و "بدتر" به پای صندوق‌های رای کشانده و عملاً به بقای رژیم جمهوری اسلامی مثل همیشه خدمت کنند." (پایان نقل قول) پیش نویس همه بورژوازی اپوزیسیون را در کاسه لیبرال‌های طرفدار شرکت در انتخابات در هر شرایط قرار داده است. این در حالی است که سلطنت طلب‌ها، مجاهدین،... و نیز نویسندگان نامه سه نفره به ترامپ... که خطرناک‌ترین و ارتجاعی‌ترین بخش‌های بورژوازی اپوزیسیون هستند در بلوک تحریم قرار داشته و خواهان تحریم انتخابات و سرنگونی رژیم هستند. به این‌ها البته باید بخشی از نیروهای مناطق ملی ایران نظیر حزب دمکرات، جریان مهدی و سایر جریان‌های مدافع منافع بورژوازی تحت ستم مناطق ملی را نیز افزود که وارد معامله و مغازه با عربستان و شرکاء و اسرائیل شده‌اند و انتخاب ترامپ آن‌ها را در پی گرفتن تاکتیک آویزان شدن به قدرت‌های امپریالیستی را افزایش داده است. بنابراین نه تحریم، نه سرنگونی (فیصل ترکی پرنس سعودی در مراسم مجاهدین در پاریس شعار سرنگونی رژیم را مطرح کرد) را نمی‌توان به طور مجرد و جدا از خصلت طبقاتی نیروئی که این تاکتیک را به کار می‌گیرد یک

تاکتیک مترقی و انقلابی قلمداد کرد. رضا پهلوی اخیراً خواهان انقلاب برای سرنگونی رژیم از طریق اعتصاب عمومی مسالمت آمیز کارگران ایران شده است...! اما روشن است که انقلاب مورد نظر رضا پهلوی بازسازی سلطنتی است که توسط انقلاب مردم ایران به زباله دانی تاریخ افکنده شد. دقیقاً سؤال مهم این است که طبقه کارگر باید در خدمت انقلاب باشد یا انقلاب در خدمت طبقه کارگر. در صورت اول طبقه کارگر به سیاهی لشکر عروج یک ارتجاع دیگر به قدرت سیاسی مبدل خواهد شد در صورت دوم انقلاب کارگری راه سوسیالیسم را هموار خواهد ساخت. اما خصلت ذات گرایانه و کلیشه ای رویکرد پیش نویس به امر تاکتیک موجب شده است که تاکتیک های جناح هائی از بورژوازی که بخش اصلی و خطرناک بورژوازی اپوزیسیون را تشکیل می دهند مسکوت نهاده شود و جای این سوء برداشت باز شود که تو گوئی هر کس که طرفدار تحریم و سرنگونی و یا انقلاب است درزمره نیروهای مترقی و پیشرو قرار می گیرد .

- نکته دیگر اعلام این خیر توسط نماینده حزب کمونیست ایران در جلسه دهم آوریل بود که آن ها همراه همه جریانات کردستان ایران به توافق برای انتشار اعلامیه ای برای تحریم انتخابات رسیده اند. تردیدی نیست که اکثر این نیروها اکنون در بساط عربستان، اسرائیل و دولت ترامپ بازی می کنند و همان طور که در بالا گفتیم تحریم، انقلاب و سرنگونی خود به خود و فی نفسه نمی تواند مبین ترقی خواهی باشد. بلکه باید روشن شود که تحریم، سرنگونی و انقلابی که این نیروها در پی آن هستند کدام منافع نمایندگی می کند و آیا منافع پیکار برای آزادی و دموکراسی در ایران را نشانه رفته است یا نه؟ مسلم است که در اتحاد عمل با جریانات نماینده جناح های گوناگون بورژوازی کرد نمی توان رویکرد کنونی آن ها برای آویزان شدن به قدرت های ارتجاعی منطقه ای و جهانی را نادیده گرفت و آن را از دایره موضع گیری های ضروری و حیاتی کنار نهاد. **در صورتی که رفقای حزب کمونیست ایران این اتحاد عمل را بدون مرزبندی روشن و محکوم کردن رویکرد ارتجاعی آویختن این نیروها به قدرت های ارتجاعی منطقه ای و جهانی انجام دهند نه فقط مرتکب خطای تاکتیکی شده اند بلکه پا در راه یک خطای استراتژیک فاحش نهاده اند. ما به نوبه خود حاضر نیستیم با همان کلیشه ای که نماینده حزب کمونیست ایران ارائه داده - و با حذف جمله آخر در باره آلترناتیو سوسیالیستی مسلماً مورد قبول جناح های گوناگون بورژوازی کرد قرار خواهد گرفت- وارد اقدام مشترک برای تحریم انتخابات و از طریق یک حلقه مشابه به کمپی که دنباله رو سیاست های فوق ارتجاعی منطقه ای و جهانی است متصل شویم.** این تاکتیک یادآور اعلامیه ای است که این رفقا با حزب کمونیست کارگری و حکمتیست امضاء کردند که در آن یک منشور همکاری علیه اسلام سیاسی در خاورمیانه بود که فرجه را برای ائتلاف از بی بی تا سی سی علیه اسلام سیاسی باز می کرد. این رفقا به نقد ما، نقد رفقای اتحاد فدائیان کمونیست و نیز ر. سعید سهرابی که به طور علنی منتشر شد پاسخ ندادند. اما اکنون همان



تاکتیک دارد در ارتباط با انتخابات در همکاری با نیروهای چپ از یک سو و نیروهای کرد از سوی دیگر سربلند می کند.

آن چه که در بالا آمد علت عدم پذیرش پیش نویس کنونی تحریم انتخابات است که برخلاف اعلامیه های گذشته شورا نمایندگان در باره تحریم انتخابات یک پس رفت تمام عیار به شمار می رود.

نتیجه:

۱، برخورد کلیشه ای با تاکتیک که نیاز به تحلیل مشخص از شرایط مشخصی دارد که در آن تاکتیک به کار بسته می شود به لحاظ متدلوزی نادرست است. کل پیش نویس با نگاه کلیشه ای و جدول ضربی نوشته شده است که ربطی به شرایط مشخص ندارد.

۲، این پیش نویس اکثریت مردم ایران را هنوز متوهم به رژیم و بازیچه دست جناح ها ارزیابی می کند که در مغایرت آشکار با تحلیل ارائه شده در بیانیه سیاسی نشست چهارم است که صریحاً مطرح کرده است علیرغم تلاش رژیم برای متوهم ساختن مردم از طریق بازی های انتخاباتی **اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی و همه جناحهای رنگارنگ آن هستند.**

۳، برخورد ذات گرایانه با تاکتیک نادرست است و می تواند به خطای سیاسی فاحش منجر شود. کما این که این جا ارتجاعی ترین نیروهای سیاسی اپوزیسیون بورژوائی کنار گذاشته شده اند.

۴، خصالت دیگر کلیشه ای بودن پیش نویس نادیده گرفتن تغییر در شرایط بین المللی کنونی که ناشی از انتخاب ترامپ، فعال شدن تاکتیک تغییر رژیم، روی آوردن بخشی زیادی از نیروها به آویزان شدن از قدرت های ارتجاعی منطقه ای و جهانی است نادیده گرفته است .

۵، رفقای حزب کمونیست ایران در پوشش تحریم انتخابات دارند به تاکتیک از بی بی تا سی سی برمی گردند. همین برخورد کلیشه ای و ذات گرایانه که تفاوت میان نیروهای انقلابی و ارتجاعی را از متن تحلیل اوضاع مشخص سیاسی خارج می کند همکاری اعلام شده با نیروهای کرد که رویکردشان به ائتلاف با نیروهای ارتجاعی منطقه ای و بین المللی روشن است، را هموار می کند. نیروهایی که از سرنگونی رژیم نا امید شده و از نیروهای ارتجاعی منطقه ای و بین المللی برای تغییر رژیم آویزان شده اند و البته انتخاب ترامپ آن ها را در پی گرفتن این تاکتیک جسورتر کرده است.

**نوشته دوم:**

از روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

جمعه ۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۱ آوریل ۲۰۱۷

به شورای نمایندگان در باره پیش نویس اعلامیه تحریم انتخابات

با سلام به رفقای شورای نمایندگان درباره پیش نویس اعلامیه تحریم انتخابات

پیشنهادات ما در ارتباط با اعلامیه تحریم انتخابات!

رفقای هیئت هماهنگی به درستی زمان اظهار نظرها را تا پایان روز جمعه موکول کرده بودند زیرا از دیشب با روشن شدن شرکت کنندگان در انتخابات توسط شورای نگهبان بسیاری از مسائل در مورد این انتخابات روشن شده است و به صورت مشخص می توان به افشاگری بازی انتخاباتی رژیم پرداخت. به نظر ما موارد زیر وارد اعلامیه شود تا آن گاه به طور مشخص بتوان در باره متن اعلامیه اظهار نظر کرد.

۱- نکته اول: مهم ترین نکته پیشنهادی ما که در پیش نویس اصلاح شده نماینده حزب کمونیست ایران گنجانده نشده است عبارتست از گنجاندن مرزبندی روشن با اردوی تغییر رژیم (regime change) و نیروهای همسو با قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی منطقه برای تغییر رژیم است که در هر چهار بیانیه نشست های اول (دو بیانیه نشست اول)، دوم و چهارم به صراحت با آن ها مرزبندی شده است. این نکته در پیش نویس غایب است زیرا به گفته خود رفیق نماینده حزب کمونیست ایران، رفقای حزب کمونیست ایران وارد اتحاد عمل با نیروهای منطقه ای کردستان و از جمله حزب دمکرات کردستان ایران و نیروهای مشابه کرد شده اند که اکنون در بساط دولت ترامپ و ائتلاف منطقه ای عربستان +شركا و دولت اسرائیل بازی میکنند. این اردوی تغییر رژیم (regime change) جبهه شامل باند رجوی، حزب دمکرات و شرکاء، شورای سلطنت رضا پهلوی، نویسندگان نامه ۳۰ نفره به ترامپ حول تحریم انتخابات متمرکز شده اند. در سفر چند روز پیش مک کین به آلبانی مریم رجوی لیست شدای مجاهدین را به وی تقدیم کرد. فراموش نکنیم که یکی از شعارهای انتخاباتی مک کین "بمب، بمب ایران، بمب، بمب، ایران" بود؛ فراموش نکنیم که مصطفی هجری خواهان ایجاد منطقه پرواز ممنوع از سوی آمریکا بر روی منطقه کردستان ایران شد و چندی پیش در مصاحبه با ژوزالم پست از اسرائیل خواست که از مبارزات کردهای ایران پشتیبانی کند. این نیروهای رنگارنگ بخشی از بورژوازی ایران (از جمله بورژوازی مناطق ملی ایران) هستند که اکنون به نیروی پیش برد "تغییر رژیم" در همسوئی با قدرت های امپریالیستی و قدرت های ارتجاعی منطقه ای مبدل شده اند. با تغییراتی که در کابینه ترامپ و به ویژه شورای امنیت ملی آن صورت گرفته و دست بالا پیدا کردن نئوکان ها و لابی های اسرائیل و عربستان از سوئی فشارها برای ابقای تحریم ها و فشارها در حال

افزایش است و از سوی دیگر به تبع آن نیروهائی که بساط تغییر رژیم بازی میکنند جسارت و امکانات بیشتری برای پیشبرد سیاست های خود خواهند یافت. بنابراین ما نمیتوانیم در اطلاعیه تحریم انتخابات که به مردم فراخوان سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را میدهیم دارو دسته های کمین کرده در اردوی تغییر رژیم (regime change) را فراموش کنیم و مرزهایمان را با آن ها مخدوش سازیم. علیرغم تاکیدات ما و رفقای دیگر نماینده حزب کمونیست این مورد را وارد پیش نویس نکرده است. لذا ما پیشنهاد میکنیم که این جمله در بیانیه تحریم انتخابات گنجانده شود.

مردم آزاده ایران باید بدانند که بخشی از اپوزیسیون بورژوائی نظیر باند رجوی، احزابی نظیر حزب دمکرات کردستان ایران و نظائر آن ها، رضا پهلوی و شورای سلطنت، نویسندگان نامه سی نفر به ترامپ... و تمامی اردوی رنگارنگ تغییر رژیم که به قدرت های امپریالیستی و در راس آن ها حکومت ترامپ و نیز ارتجاع منطقه نظیر عربستان، اسرائیل و شرکا آویزان شده اند خواه ناخواه هموار کننده نظام استبدادی و سرکوبگر دیگری هستند که نمونه شاخص آن را مردم ایران در طول پنجاه سال حکومت پهلوی تجربه کرده و نظام جمهوری اسلامی نیز فرزند خلف آن میباشد. و یا پیامد عملکرد این نیروها ویرانی کامل کشور در آتش و خون جنگ های منطقه ای و فرقه ای بی پایان است که اکنون شاهد آن در اوضاع کشورهای در حال سقوط و از هم پاشی نظیر افغانستان، عراق، سوریه، لیبی و یا یمن هستیم. بنابراین پاراگراف به این شکل تصحیح شود:

رنگ بنفش از پیش نویس اعلامیه رنگ قرمز افزوده ما

"با نرفتن به پای صندوق های رأی و شعار "نه به مضحکه انتخاباتی رژیم" این نمایش را به فراندومی برای نشان دادن عدم مشروعیت رژیم تبدیل کنیم. "انتخابات" را به هر شکل ممکن و موثر به فرصتی برای گسترش اعتراضات توده ای در سراسر کشور، در مسیر مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و به دست گرفتن سرنوشت سیاسی توسط اکثریت مردم ایران، کارگران و زحمتکشان، مبدل سازیم. مردم آزاده ایران باید بدانند که بخشی از اپوزیسیون نظیر باند رجوی، احزابی نظیر حزب دمکرات کردستان ایران و نظائر آن ها، رضا پهلوی و شورای سلطنت، نویسندگان نامه سی نفر به ترامپ... و تمامی اردوی رنگارنگ تغییر رژیم که به قدرت های امپریالیستی و در راس آن ها حکومت ترامپ و نیز ارتجاع منطقه نظیر عربستان، اسرائیل و شرکا آویزان شده اند خواه ناخواه هموار کننده نظام استبدادی و سرکوبگر دیگری هستند که نمونه شاخص آن را مردم ایران در طول پنجاه سال حکومت پهلوی تجربه کرده و نظام جمهوری اسلامی نیز فرزند خلف آن میباشد. و یا پیامد عملکرد این نیروها ویرانی کامل کشور در آتش و خون جنگ های منطقه ای و فرقه ای بی پایان است که اکنون شاهد آن در اوضاع کشورهای در حال سقوط و از هم پاشی

نظیر افغانستان، عراق، سوریه، لیبی و یا یمن هستیم. بنابراین سرنگونی مورد نظر این نیروها نه انتقال قدرت سیاسی اکثریت مردم بلکه انتقال قدرت از ارتجاعی حاکم به ارتجاعی ضدمردمی دیگر است. بنابراین راه حل، سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی توسط خود شما و تلاش و مبارزه برای جایگزینی بدیلی سوسیالیستی است که راه رهائی واقعی از بندهای استبداد، تاریک اندیشی و بهره کشی است. "

۲- نکته دوم: از جمله نکات ما درنوشته ۲۳ آوریل ۱۳۹۶ عبارت بود از تحریم فعال و موثر و نه تحریمی که از واقعیات مشخص حوادث بدور است و هیچ رابطه ای با توده های مردمی که می خواهند درباره شرکت یا تحریم در انتخابات تصمیم بگیرند نمیتواند برقرار کند. در آن نوشته به طور مشخص مطرح کردیم: " تاکتیک ما با توجه به انتخابات های رژیم جمهوری اسلامی در متن ارزیابی از شرایط مشخص تحریم انتخابات بوده است. ما تلاش کرد ایم که از طریق استدلال صفوف تحریم را تقویت کنیم زیرا پیوستن کسانی که از طریق شرکت خود در انتخابات به کلیت رژیم نه می گویند به کسانی که از طریق تحریم انتخابات نه خود را بازتاب می دهند رژیم را به مراتب منزوی ساخته و امکان بهره برداری از بازی انتخاباتی را برای رژیم کاهش می دهد. اما این نوع تاثیر خود زمانی کارکرد دارد که کار ترویجی و تبلیغی در متن شرایط و فضای انتخاباتی و با ارائه دلایل مشخص صورت گیرد. برخورد کلیشه ای، جدول ضربی، بدور از متن اوضاع زنده حوادث و تحلیل مشخص نمی تواند با این بخش از مردم که مسلماً بخش هائی از اردوی کار و زحمت را نیز در آن قرار دارند، ارتباط واقعی برقرار سازد. " برای تحریم فعال، زنده و موثر باید در پرتو روی دادهای انتخابات به افشاء مکانیسم دستکاری شده انتخابات و نامزدهای اصلی پرداخت.

یکی از رویدادهائی که نشان دهنده بی معنا بودن انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی است خود را در نحوه معرفی نامزدها و سپس دست چینی آن ها توسط شورای نگهبان نشان داد. آوردن ۱۶۰۰ نامزد و حتی کودکان شش ساله- که رسانه های جمهوری اسلامی با هیاهو آن را نشان دادند- تمهیدی بود برای توجیه تیغ سانسور شورای نگهبان که تحت امر رهبر رژیم جمهوری اسلامی است. اولاً، این ترفند خود نشان دهنده فقدان آزادی احزاب و استبداد سیاسی حاکم است که رژیم جمهوری اسلامی عامدانه به شکل فله ای افراد را به صحنه میآورد تا ضرورت تصفیه آن ها را اثبات کند. درنظام های سیاسی که آزادی احزاب وجود دارد نامزدها از طریق روندهای دمکراتیک درون احزاب گزیده شده و سپس به عنوان نامزد معرفی میشوند. ثانیاً، در درون همین تعداد نماینده ده ها نفر از کاندیداهای جناح اصول گرا و افراد ذوب شده در ولایت مطلقه و از مقامات سرشناس کنونی و یا سابق دستگاه حکومتی بودند که آن ها نیز توسط شورای نگهبان درو شدند. ثالثاً، رد صلاحیت محمود احمدی نژاد نیز یکی از پدیده های رسوائی آور این نمایش انتخاباتی است. او کسی است که رئیس جمهور محبوب رهبر بود که

تقلب انتخاباتی سال ۸۸ به دستور دستگاه رهبری برای تجدید انتخاب اوانجام و رژیم هزینه جنبش بزرگ سال ۸۸ را برای ابقاء مجدد او پرداخت. همین رئیس جمهور محبوب رهبر بود که به مثابه بلندگوی رهبر رژیم، با شعارها، ماجراجویی هسته ای و عملکرد خود کشور را در منگنه یکی از بزرگترین تحریم های تاریخ معاصر برد که حاصل آن بر باد رفتن هفصد میلیارد دلار درآمد نفتی کشور، فسادهای نجومی تا حد دکل دزدی، بسته شدن بیش از سه هزار کارخانه و بیکار شدن کارگران در مقیاس توده ای بود. اگر احمدی نژاد فاقد صلاحیت است پس رهبر و دستگاه رهبری نیز فاقد صلاحیت بوده و بازی های انتخاباتی آن ها نیز که محل انتخاب افراد فاقد صلاحیت است ربطی به انتخاب اصلح ندارد. اکنون شش نفر نامزد دست چین شده توسط رهبر که به دو گروه اعتدال گرا و اصول گرا تعلق دارند برای انتخابات معرفی شده اند که رای دهندگان باید از میان این دست چین شدگان مقبول رهبری یکی از انتخاب کنند که این خود نشان دهنده بی معنا و مسخره بودن انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی است که هیچ معیاری برای وارد شدن نامزدها در عرصه رقابت انتخاباتی (حتی وفاداری مطلق به ولی فقیه) جز سلائق و صلاح دید شخص رهبر و دستگاه رهبری وجود ندارد.

اما در مورد نامزدها:

ورود رئیسی به صحنه انتخابات و تائید صلاحیت او به مثابه نامزد اصلی جناح اصول گرا حادثه مهمی است که باید یکی از محورهای اصلی افشاگری انتخابات مبدل شود. او یکی از اعضای هیئت مرگ در کشتار سراسری زندانیان سیاسی ایران در تابستان سال ۱۳۶۷ است. رئیسی به مدت ده سال (۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳) معاون اول قوه قضائیه و سپس در سال های ۱۳۹۳-۱۳۹۴ دادستان کل کشور و رئیس دادگاه عالی روحانیت بوده است. به خاطر نقشی که در قتلعام ها داشته است توسط خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی به تولیت آستان قدس رضوی یکی از امپراطوری های مالی وابسته به دستگاه رهبری رسیده است. او به دستور خمینی رهبر و پایه گذار رژیم جمهوری اسلامی در تابستان ۶۷ تنها در عرض مدت کوتاهی هزاران زندانی سیاسی را که در حال گذراندن دوره محکومیت خود بودند به جوخه های مرگ سپرد. یکی دیگر از قضات جنایتکار هیئت مرگ یعنی پور محمدی نیز توسط روحانی یعنی دولت اعتدال به ریاست وزارت دادگستری برگزیده شد و چهار سال در این منصب از خادمان رژیم اسلامی بوده است. ما باید از عموم مردم ایران به ویژه کارگران و نیروهای آگاه بخواهیم که تا بار دیگر پرونده اعدام ها، کشتارها، شکنجه ها و به ویژه قتلعام تابستان ۶۷ را به کانون روشنگری و افشاء رژیم جمهوری اسلامی در اباعده توده ای هر چه گسترده تر مبدل ساخته و بدین ترتیب ماهیئت واقعی نامزدهای نمایش انتخاباتی را برملاء سازند.

اما افشاء عملکرد دولت روحانی نیز که برای دور دوم انتخابات وارد شده است نیز باید جای خود را داشته باشد. فاجعه پلاسکو، ریزگردهای خوزستان، سیل های سیستان و بلوچستان و آذربایجان، خشک شدن دریاچه ها، رودخانه ها و تالاب های کشور در کنار هوای آلوده کلان شهرها، وضعیت نگران کننده معیشت کارگران که ماه ها حقوق شان پرداخت نمی شود، ادامه روند رکود، بسته شدن کارخانه ها و مراکز تولیدی و بیکاری شدن کارگران، خصوصی سازی نظام آموزشی از کودکتان گرفته تا دانشگاه ها و همزمان با آن سرعت بخشیدین به خصوصی سازی نظام بهداشت و درمان کشور که هردو هزینه های سرسام آوری بر درآمدهای ناچیز خانواده های کارگران و زحمتکشان کشور تحمیل میسازد، غارت تام و تمام اموال سازمان تامین اجتماعی، اختلاس از صندوق ذخیره معلمان، عدم پرداخت حقوق بازنشستگان، وضعیت بد معیشتی و کاری معلمان کشور و بویژه معلمان آزاد و قراردادی و حقوق های زیر خط فقر میلیون ها ایرانی در کنار حقوق های نجومی مدیران، فرماندهان و مسئولان حکومتی که در قصرهای هدیه ای و بخشش املاک نجومی زندگی می کنند، همه و همه از بی عدالتی نهادینه شده در کشور خبر می دهد که روحانی درراس هیئت دولت کنونی میخواهد آن را برای چهار سال دیگر ادامه دهد.

۳- نکته سوم: دردو سال اخیر شاهد اعتلاء مبارزات توده ای هستیم. اعتراضات و اعتصابات روزانه کارگری، اعتصابات سراسری معلمان، پرستاران، بازنشستگان کشوری و لشکری، اعتراضات مردمی به آلوده شدن محیط زیست از جمله ریزگردها، شکل گیری اعتراضات و تشکل های دانشجویی ... باید اعلام کنیم که از نمایش انتخاباتی هیچ چیزی جز ادامه وضعیت اسفبار کنونی نصیب اکثریت مردم نخواهد شد بلکه آن ها باید با همه قوا تلاش کنند تا شبکه ها و تشکل های توده ای خود را در همه عرصه ها و ابعاد در پیکار برای مطالبات شان را گسترش دهند. این آن حقیقتی است که راه اردوی کار و زحمت را به سوی رهائی واقعی خواهد گشود. به نظر ما این یکی از مهم ترین مواردی است که باید بر روز آن در اعلامیه تاکید شود .

۴- نکته چهارم: در باره ارزیابی از کسانی است که در انتخابات شرکت میکنند. این اختلاف امر جدیدی نیست بلکه از قبل این اختلاف در ارزیابی ما از نحوه شرکت مردم در انتخابات وجود داشته است. نگاهی که برآن است که پس از سپری شدن چهار دهه هنوز اکثریت مردم ایران به رژیم جمهوری اسلامی ایران متوهم بوده و بنابراین در بازی های انتخاباتی آن از سر توهم و استیصال شرکت میکنند. ما نگاهمان را در نوشته قبلی در این مورد توضیح داده ایم و برآن هستیم که هژمونی و مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی فروریخته است و علیرغم تلاش رژیم برای متوهم ساختن مردم از طریق بازی های انتخاباتی **اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی و همه**

**جناح‌های رنگارنگ آن هستند** و در برخی از بازی‌های انتخاباتی خود را به صورت رای اعتراضی مردم -یعنی رای علیه کاندیدای مورد نظر دستگاه رهبری- نشان می‌دهد.

در مورد تاکتیک مورد توافق ما در ارتباط با انتخابات اشتراک نظرمان درباره تحریم است و بنابراین اعلامیه مشترک باید بر سر همین نکته اشتراک باشد. کما این که این اختلاف نظر در میان ما از قبل هم وجود داشته است و علیرغم آن ما در تحریم انتخابات‌های قبلی بر روی اشتراک مان یعنی ضرورت تحریم انتخابات متمرکز شده و وارد ارزیابی از نحوه شرکت آن بخش از توده‌های مردم که در انتخابات رای اعتراضی می‌دهند نشده ایم. بنابراین قسمت بنفش شده پارگراف اول حذف شود:

**رنگ بنفش** از پیش نویس اعلامیه **رنگ قرمز** افزوده ما

انتخابات "ریاست جمهوری که در آن فقط مردان معتقد به ولایت فقیه و رد شده از غربال انواع نظارت‌های استصوابی، شورای نگهبان و شورای مصلحت نظام و... می‌توانند شرکت کنند، حتی با عرف انتخابات‌های "دموکراتیک" نظام سرمایه‌داری هم همخوانی ندارد. این نمایشات، نه اکنون و نه در تمام طول حاکمیت جمهوری اسلامی، **به جز اولین انتخابات پس از انقلاب** (اضافه شود)، موضوعیتی برای مردم آزادیخواه و حق‌طلب نداشته و ندارد. اما متأسفانه در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی که در آن فضایی برای اعمال رای و اراده کارگران و توده‌های محروم و زحمتکش و زنان تحت ستم آپارتاید جنسیتی وجود ندارد، همواره بخشی از مردم که آلترناتیوی برای رهایی از وضع موجود ندارند، بازچه این نوع "انتخابات‌ها" که همواره انتخاب بین "بد" و "بدتر" است می‌شوند و این در حالی است که "انتخابات" در این نظام عملاً به یک راه فریبکارانه برای تغییر آرایش سیاسی جناح بندی‌های رژیم و اینکه هر کدام از جناح‌ها چه سهمی از قدرت و چه سهمی از ثروت‌های جامعه را به غارت ببرند عمل کرده است. (حذف رنگ بنفش)

**نوشته سوم:**

از روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

یکشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۳ آوریل ۲۰۱۷

به شورای نمایندگان در باره پیش نویس اعلامیه تحریم انتخابات

با سلام به رفقای شورای نمایندگان درباره پیش نویس اعلامیه تحریم انتخابات

با سلام های گرم و خسته نباشی به رفیق به خاطر پیگیری فعال اعلامیه تحریم

یادداشت ضمیمه زیر شما را دریافت کردیم و همراه با این نامه اعلامیه آترناتیو را نیز ارسال میکنیم. همانطور که در دو نامه قبلی گفتیم سه مورد اختلاف وجود داشته است.

الف، زنده بودن تحریم یا تحریم فعال که باید از دل رویدادهای واقعی نشات بگیرد تا بتواند مخاطبان را به تاکتیک پیشنهادی متقاعد کند. اعلام موضع جدا و بیگانه از رویدادهای مشخص سیاسی قدرت جذب و اقتناع را ندارند. لذا تلاش کرده ایم که در پرتو داده های مشخص دلایل تحریم را برای مخاطب اعلامیه تشریح کنیم.

ب، در مورد مرزبندی با بورژوازی سرنگونی طلب مجری سیاست تغییر رژیم نیز قبلا دلایل مان را گفته ایم و فکر میکنیم مسئله آنقدر روشن است که نیازی به تکرار نیست. در هیچ کدام از نسخه های تصحیح شده شما ملاحظه ما وارد نشده است در حالی که رفقای دیگر نیز براین مهم انگشت تاکید نهاده اند.

ج، در مورد ارزیابی از کسانی که در انتخابات شرکت میکنند اختلاف وجود داشته و دارد که مانند دو مورد قبلی اعلامیه های تحریم شورا لازم نیست وارد این شویم. البته ما از بحث و از جمله بحث علنی در این مورد استقبال میکنیم.

د، در مورد مسئله کردستان و اعلامیه مشترک تحریم با نیروهای کرد. آن چه که شما در جلسه شورا مطرح کردید نه مثال بلکه خبر توافق با نیروهای کرد منطقه برای انتشار یک اعلامیه مشترک تحریم بود. تردیدی نیست که در منطقه نیروهای کرد به لحاظ الزامات مبارزه در صورت لزوم باید هماهنگی هائی عملی، فنی و تکنیکی میان خود برقرار سازند و از هر نوع درگیری و جنگ خانگی که سابقه و صدمات آن برای همه ما روشن است باید قطعاً اجتناب شود. در مورد مواضع شما علیه بورژوازی کرد و امپریالیسم ما هیچ تردیدی در صراحت و صحت این مواضع نداریم و اکنون سال هاست که در پیام های هر ساله سازمان ما به مناسبت روز علنی فعالیت کومه له با روشنی غیرقابل انکار بر این نکات تاکید و از آن ها استقبال شده است. اما هنگامی که مسئله تاکتیک مطرح میشود این مواضع استراتژیک نمیتواند با تاکتیک ها بی ارتباط باشد یا به بیان دیگر استراتژی نمیتواند مانند خط سرخی حلقات تاکتیک را به یکدیگر متصل نسازد. همین اختلاف را ما همراه با بخشی از نیروهای شورا با شما درباره اعلامیه مشترک تان علیه "اسلام سیاسی" با رفقای کمونیسم کارگری و حکمتیست داشته ایم. علیرغم تاکید ما و نیروهای دیگر شورا بر روی مرزبندی با امپریالیسم و دولت اسرائیل، دفاع از مسئله فلسطین، طرح آترناتیو سوسیالیستی به عنوان خلاء مهمی که به ظهور اسلام گرائی میدان داده



است) که ما میدانیم در شمار مواضع شما میباشد و در بیانیه های مشترک ما نیز منعکس شده است) در آن اعلامیه مشترک همه این مواضع حیاتی و تعیین کننده به کنار نهاده شد که حاصل آن اعلامیه ای است باب طبع مواضع حزب کمونیست کارگری . به استناد این نوع مواضع میتوان به بهانه مبارزه با اسلام سیاسی با هر نیروئی ارتجاعی همکاری کرد. حزب کمونیست کارگری هم اکنون این سیاست همکاری را با راست ترین نیروهای طیف سیاسی آلمان انجام میدهد. بهر حال به همان نسبت که با بورژوازی اصلاح طلب باید مرزبندی شود باید با طیف رنگارنگ بورژوازی سرنگونی طلب نیز مرزکشید و بی اعتمادی به هر دو را در میان توده های مردم تبلیغ و ترویج کرد.

با بهترین دروذهای رفیقانه

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)

یادداشت نماینده حزب کمونیست ایران

۲۲ آوریل

رفقا من تا دوشنبه امکان مداخله و بررسی خواست های مفصل نماینده سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر) را ندارم و در نگاهی سریع به مفاد این شاید بعدا هم نداشته باشم. شاید بهتر بود آنها اطلاعیه آترناتیو تهیه می کردند که همگی تکلیف خود را می دانستند. آنچه آنها نوشته اند مقاله ای تفسیری است نه تصیح پیشنهادی يك اطلاعیه

بك نکته که هیچ ربطی به اطلاعیه ندارد و بصورتی و آرونه به استناد به يك مثال از صحبت های شفاهی من در جلسه شورا به آن استناد می شود مسئله کردستان است و فرصت طلبانه اینگونه بیان می شود که ما موضعی با نیروهای بورژوایی در منطقه نداریم! این مخلطه در بحث است و دفاع از مواضع روشن ما در رابطه با کلیت رژیم و نیروهای بورژوایی و امپریالیستی در مقابل این رفقا فعلا موضوعیتی ندارد

بهررو هیات هماهنگی با توجه به نقدهای که از طرف رفقا به مواضع این رفقا و با توجه به انعطاف هایی که من برای وارد کردن ملاحظات در پیشنهادی داده ام روشن کند که چکار کنیم.

اعلامیه آلترناتیو سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) برای اعلامیه مشترک به شورای نمایندگان

## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

### در مورد انتخابات فرمایشی رژیم جمهوری اسلامی

قرار است دوازدهمین دوره مضحکه انتخابات ریاست جمهوری، "انتخابات" میان دوره ای مجلس شورای اسلامی و همچنین "انتخابات" شوراهاى اسلامی شهر و روستا در روز ۲۹ اردیبهشت ۹۶ در ایران برگزار شود.

انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی پرده ساتری بر ماهیت و ساختار استبداد مطلقه و اختیارات نیمه خدائی قانونی (ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی) و عملی ولی فقیه و دستگاه رهبری است که کلیه مواضع کلیدی قدرست سیاسی و قوای قهریه را به صورت انحصاری، غیرانتخابی و مادام العمر در اختیار داشته و به هیچ کس و هیچ نهادی پاسخگو نیست. نهادهای انتخابی رژیم جمهوری اسلامی همه ضنائم بی اختیار و اقتداری هستند که در برابر کانون اصلی و غیرانتخابی قدرت از هیچ نوع اختیاراتی برخوردار نیستند. اما همین نهادهای فاقد قدرت، اختیار و کارکرد نیز صرفاً به عناصر دست چین شده جناح های وابسته به رژیم اسلامی یا خودی ها اختصاص دارد و راه ورود به آن ها نه فقط برای مخالفان رژیم از هر نوع و از جمله افراد مستقل بسته است بلکه از میان خودی ها نیز بنا بر مصلحت دستگاه رهبری تنها افراد محدودی میتوانند وارد رقابت شوند. در انطباق با چنین ساختار سیاسی فوق استبدادی است که در رژیم جمهوری اسلامی مردم تنها حق رای در انتخابات را دارند اما حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را ندارند و بنابراین ملزومات یک انتخابات واقعی و آزاد نظیر حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بدور از هرگونه اجبار، فشار، ترس و تطمیع، آزادی های بی قید و شرط سیاسی، آزادی تشکل ها و احزاب، رسانه ها، اجتماعات و تبلیغات باید به طور کامل سرکوب و از میان برداشته شود. علاوه بر آن که به خاطر آپارتاید جنسی حاکم در رژیم جمهوری اسلامی زنان به عنوان نیمی از ساکنان کشور از حق انتخاب شدن منع شده اند، علاوه بر آن که به خاطر تبعیض مذهبی نهادی در نظام استبداد مذهبی حاکم به جز پیروان شیعه اثناعشری، دیگر اقلیت های مذهبی ایران که بخش وسیعی از ساکنان ایران را تشکیل میدهند از حق شرکت در انتخابات محروم هستند، شورای نگهبان تحت امر ولی فقیه که از دستگاه های مهندسی و چیدمان نمایش انتخابات است حتی از میان پیروان شیعه اثنا عشری و ذوب شدگان در ولایت مطلقه فقیه تعدادی انگشت شمار از وابستگان به جناح های

رژیم را بنا بر سلائق و مصلحت رهبر رژیم اسلامی برچیده و آن گاه از مردم خواسته میشود که به مثابه سیاهی لشکر به نامزدهای برچیده شده رای دهند.

نحوه ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری در این دوره و سپس بیرون کشیدن چند نفر از میان آنها خود به بهترین وجه افشاگر بی معنا بودن انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی است. در نام نویسی این دوره بیش از هزار ششصد نفر از جمله کودکان شش ساله- که رسانه های جمهوری اسلامی با هیاهو آن را نشان دادند- نام نویسی کردند. این پرده از نمایش انتخابات، بالماسکه ای بود برای توجیه تیغ سانسور شورای نگهبان. اما وارد کردن فله ای نامزدها برای اثبات ضرورت تصفیه آنها به نوبه خود افشاگر فقدان آزادی های سیاسی و از جمله آزادی احزاب در رژیم جمهوری اسلامی است که نامزدهای نمایندگان احزاب از طریق روندهای دمکراتیک درون احزاب گزیده شده و سپس به عنوان نامزد برای شرکت در انتخابات معرفی میشوند. علاوه بر آن در میان رد صلاحیت شدگان این دوره ده ها نفر از کاندیداهای جناح اصول گرا و افراد ذوب شده در ولایت مطلقه و از مقامات سرشناس کنونی و یا سابق دستگاه حکومتی نیز بودند که توسط شورای نگهبان رد شدند که شاخص ترین آن ها محمود احمدی نژاد ریاست جمهوری دو دوره ای رژیم جمهوری اسلامی است. او رئیس جمهور محبوب رهبر بود که تقلب گسترده انتخاباتی سال ۸۸ برای تجدید انتخاب او انجام و رژیم هزینه جنبش بزرگ سال ۸۸ را برای ابقاء مجدد وی پرداخت. احمدی نژاد به مثابه بلندگوی رهبر رژیم با شعارها، ماجراجویی هسته ای و عملکرد ویرانگرش کشور را در منگنه یکی از بزرگترین تحریم های تاریخ معاصر سوق داد که حاصل آن بریاد رفتن هفتصد میلیارد دلار درآمد نفتی کشور، فسادهای زنجیره ای از دکل دزدی گرفته تا فساد های هزاران میلیاردی، فشار عظیم تحریم ها بر همه جوانب زندگی اکثریت مردم، بسته شدن بیش از سه هزار کارخانه و بیکار شدن کارگران در مقیاس توده ای و... بود. این نوع رد صلاحیت ها خود نشان دهنده بی معنی و مسخره بودن انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی است که هیچ معیاری برای وارد شدن نامزدها در عرصه رقابت انتخاباتی (حتی وفاداری مطلق به ولی فقیه) جز سلائق و صلاح دید یک مستبد مطلق العنان یا شخص رهبر و تحمیل آن به رای دهنده وجود ندارد. رهبری که میزان بصیرت او در انتخاب و اکنون رد صلاحیت احمدی نژاد و امثال او به بهترین وجه می تواند مورد قضاوت افکار عمومی قرار گیرد.

اکنون شش نفر نامزد دست چین شده توسط رهبر که به دو گروه اعتدال گرا و اصول گرا تعلق دارند برای انتخابات معرفی شده اند که در میان آن ها دو چهره اصلی رئیسی و روحانی دو جناح رژیم را نمایندگی میکنند و رای دهندگان باید از میان این دست چین شدگان مقبول رهبر یکی را انتخاب کنند.

ورود رئیسی یا آیت الله قتلعام به صحنه انتخابات و تأیید صلاحیت او به مثابه نامزد اصلی جناح اصول گرا حادثه مهمی است که افشاگرماهیت و ساختار جنایتکارانه رژیم اسلامی و بازی های انتخاباتی آن میباشد. رئیسی به مثابه یک قاتل حرفه ای در تمامی دوره های حیات رژیم جمهوری اسلامی از مسئولین درجه اول و مجریان مستقیم کشتارها و قتلعام های رژیم جمهوری اسلامی بوده است. مسئولیت دراعدام ها و کشتارهای اوائل دهه شصت، عضویت در هیئت مرگ قتلعام سال شصت و هفت (او به دستور خمینی رهبر و پایه گذار رژیم جمهوری اسلامی در تابستان ۶۷ تنها در عرض مدت کوتاهی هزاران زندانی سیاسی را که در حال گذراندن دوره محکومیت خود بودند به جوخه های مرگ سپرد)، ادامه کشتار در دوره سرکوب ها و اعدام ها سال ۸۸ تنها بخشی از خدمات او به دوام و بقای رژیمی است که به او مقاماتی نظیر معاون اول قوه قضائیه، دادستان کل کشور، دادستان دادگاه عالی روحانیت، عضو مجلس خبرگان را اعطاء کرده است. به پاس این خدمات و سرسپردگی، خامنه ای تولیت آستان قدس رضوی یکی از امپراطوری های مالی وابسته به دستگاه رهبری را به او سپرده است.

اما عملکرد روحانی رئیس جمهور کنونی نیز که نامزد برای دور دوم ریاست جمهوری است، فاجعه پلاسکو، ریزگردهای خوزستان، سیل های سیستان و بلوچستان و آذربایجان، خشک شدن دریاچه ها، رودخانه ها و تالاب های کشور در کنار هوای آلوده کلان شهرها، وضعیت نگران کننده معیشت کارگران که ماه ها حقوق شان پرداخت نمی شود و به زندان افکندن فعالان کارگری، معلمان، زنان و اقلیت های تحت ستم را در ترازنامه خود دارد. ادامه روند رکود، بسته شدن کارخانه ها و مراکز تولیدی و بیکار شدن انبوه کارگران، خصوصی سازی نظام آموزشی از کودکان گرفته تا دانشگاه ها و همزمان با آن سرعت بخشیدین به خصوصی سازی نظام بهداشت و درمان کشور که هر دو هزینه های سرسام آوری بر درآمدهای ناچیز خانواده های کارگران و زحمتکشان کشور تحمیل میسازد، قریب ده میلیون حاشیه نشین که فاقد ابتدائی ترین نیازهای زندگی هستند و در میان آن ها وضعیت اسف بار و ضدانسانی بی خانمان ها، کارتون و گورخواب ها، غارت تام و تمام اموال سازمان تامین اجتماعی، اختلاس از صندوق ذخیره معلمان، عدم پرداخت حقوق بازنشستگان و میلیون ها بازنشسته ای که زندگی خود و خانواده شان به خاک سیاه نشسته، وضعیت بد معیشتی و کاری معلمان کشور و بویژه معلمان آزاد و قراردادی و حقوق های زیر خط فقر میلیون ها ایرانی در کنار حقوق های نجومی مدیران، فرماندهان و مسئولان حکومتی که در قصرهای هدیه ای و بخشش املاک نجومی زندگی می کنند، همه و همه حاصل عملکرد رئیس جمهوری است که اکنون میخواهد بی عدالتی نهادینه شده این سالیان را همچنان ادامه دهد .

با ورود رئیسی، آیت الله قتلعام به عنوان نامزد اصلی اصول گرایان و وجود مصطفی پورمحمدی یکی دیگر از اعضای هیئت مرگ کشتار سال ۶۷ به عنوان وزیر دادگستری کابینه روحانی، یک بار دیگر شیخ قتلعام ها بر فراز فضای سیاسی کشور به حرکت در آمده است. در حالی که مدافعان رئیسی از نقشی که او در قتلعام ها داشته است به عنوان یکی از نقاط قوت و صلابت او دفاع میکنند، انتخابات این دوره فرصتی است برای افشاگری قتلعام ها و جنایات رژیم جمهوری اسلامی در چند دهه گذشته و بویژه قتلعام های تابستان سال شصت و هفت، اعلام حمایت از جنبش دادخواهی خانواده های جان باختگان و زندانیان سیاسی جان بدر برده برای بازگشودن پرنده قتلعام ها و محاکمه عامران و عاملان این جنایت به عنوان جنایت علیه بشریت.

در چنین شرایطی است که بخشی از اپوزیسیون بورژوازی درون و بیرون از حاکمیت و رسانه های وابسته به آنها که هراس شان از جنبش انقلابی و خیزش و انقلاب مردم کمتر از بیت رهبری و "اصولگرایان" نیست در همراهی با جناح های حکومتی می کوشند با توجیحات و بهانه های واهی بخشی از مردم را به "امید" بهتر شدن اوضاع به انتخاب میان به اصطلاح گزینه "جناح بهتر" در برابر "جناح بدتر" به پای صندوق های رای کشانده و عملاً به بقای رژیم جمهوری اسلامی مانند همیشه یاری رسانند. این بخش از اپوزیسیون تلاش میکند با تبلیغ این توهم که در برابر استبداد، هیچ راهی جز سرفروود آوردن در برابر دستگاه حاکم، بازی در بساط نمایش انتخاباتی به امید واهی بهتر شدن اوضاع وجود ندارد، جنبش توده ای و انقلابی را خلع سلاح سازد. این در حالی است که چاره رهایی مردم ایران نه گرفتار شدن در دور باطل انتخاب میان این یا آن جناح فاشیسم مذهبی، که مردم ایران در طول چند دهه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی ترازنامه فاجعه بار آن ها را تجربه کرده اند، بلکه در هم شکستن کلیت استبداد حاکم همراه با همه جناح ها رنگارنگ آن به عنوان اولین گام در پیکار برای رهایی است.

بخشی دیگر از اپوزیسیون نیز نظیر باند رجوی، احزابی نظیر حزب دمکرات کردستان ایران و نظائر آن ها، رضا پهلوی و شورای سلطنت، نویسندگان نامه سی نفر به ترامپ... و تمامی اردوی رنگارنگ تغییر رژیم که به قدرت های امپریالیستی و در راس آن ها حکومت ترامپ و نیز ارتجاع منطقه نظیر عربستان، اسرائیل و شرکاء آویزان شده اند، خواهان تحریم و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند اما آن ها خواه ناخواه یا هموار کننده نظام استبدادی و سرکوبگر دیگری هستند که نمونه شاخص آن را مردم ایران در طول پنجاه سال حکومت پهلوی تجربه کرده اند- و بی تردید نظام جمهوری اسلامی نیز فرزند خلف آن میباشد- و یا پیامد عملکرد شان ویرانی کامل کشور در آتش و خون جنگ های منطقه ای و فرقه ای بی پایان است که شاهد آن اوضاع کشورهای در حال سقوط و از هم پاشی نظیر افغانستان، عراق، سوریه، لیبی و یا یمن میباشند. بنابراین سرنگونی مورد نظر این نیروها نه انتقال

قدرت سیاسی به اکثریت مردم بلکه انتقال قدرت از ازتجای حاکم به ارتجاع ضدمردمی و خطرناک دیگری برای آینده کشور است.

### **کارگران، زحمتکشان، مردم آزاده ایران!**

دردو سال گذشته شما پیکار برای مطالبات پایمال شده تان را به شکل چشم گیری گسترش داده اید. اعتراضات و اعتصابات روزانه کارگری، اعتصابات سراسری معلمان، پرستاران، بازنشستگان کشوری و لشکری، دستفروشان، کولبران، زنان و اقلیت های ملی و مذهبی تحت تبعیض و ستم ایران... اعتراضات شما به آلوده شدن محیط زیست از جمله ریزگردها، به عقب نشینی واداشتن دولت برای اصلاح قانون کارکه هدف آن تحمیل بی حقی و قانونی ساختن بهره کشی هر چه عریان تر بود، اعتراضات تشکل های دانشجویی، اعتراضات و اعتصابات زندانیان سیاسی و خانواده های آنها، اعتراضات علیه اعدام های فله ای... جلوه هائی از ارتقاء جنبش مطالباتی شما بوده است. تنها ادامه وحدت و تشکیلات و گسترش شبکه ها و تشکل های توده ای در همه عرصه های زیست و کار و ارتقاء همبسته پیکارهای شما میتواند راه رهائی واقعی از جهنم رژیم جمهوری اسلامی را در مسیر مبارزه برای آن نوع از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی قرار دهد، که حاصل آن به دست گرفتن سرنوشت و قدرت سیاسی توسط شما اکثریت مردم ایران است. نمایش انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی که اکنون شبیح قتلعام های رژیم جمهوری اسلامی بر سر آن درحال حرکت است، هیچ چیزی جز ادامه وضعیت اسفبار کنونی نصیب شما اکثریت مردم نخواهد ساخت. با تحریم انتخابات با نرفتن به پای صندوق های رأی و شعار "نه به مضحکه انتخاباتی رژیم" نمایش انتخاباتی رژیم را به هر شکل ممکن و موثر با شکست مواجه سازید. راه رهائی شما اکثریت مردم ایران، سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست خود شما و تلاش و مبارزه برای جایگزینی بدیلی سوسیالیستی است که آزادی، دموکراسی و برابری واقعی را از طریق حاکمیت اکثریت برای اکثریت و به دست اکثریت ممکن میسازد.

**نه به انتخابات فرمایشی رژیم**

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری اسلامی ایران**

**زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

**شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست**

**نوشته چهارم:**

نوشته چهارم روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) درباره پیش نویس اعلامیه  
تحریم انتخابات

از روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

دوشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۴ آوریل ۲۰۱۷

به شورای نمایندگان در باره نوشته های رفقا

با سلام به رفقای شورای نمایندگان درباره پیش نویس اعلامیه تحریم انتخابات

رفقا: همانگونه که در جریان هستید در سه نوشته قبلی در مورد متن پیش نویس ارسالی ما در مورد  
اشکالات پیش نویس مواردی را مطرح کرده و نهایتاً آلترناتیویمان را هم ارائه کردیم. ما سه اشکال به  
اعلامیه داشتیم .

اولاً ، کلیشه ای بودن اعلامیه و عدم ارتباط با اضاع مشخص این دوره انتخابات که طبعاً نمیتواند تاثیر  
گذار باشد ،

ثانیاً، آوردن یک جمله که نقطه اختلاف ما در ارتباط با ارزیابی از کسانی است که در انتخابات  
شرکت میکنند و این که برخلاف فرمول بندیبیانیه نشست چهارم که به اتفاق آراء تصویب شده است با  
صراحت اعلام کرده است که علیرغم تلاش برای توهم پراکنی رژیم از طریق انتخابات اکثریت قریب  
به اتفاق مردم ایران خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و همه جناح های رنگارنگ آن هستند.  
اما اعلام میکند که رژیم جمهوری اسلامی هنوز اکثریت مردم را به دنبال خود دارد و آن ها را به عنوان  
بازیچه در بازی های خود دخالت میدهد و این به معنای آن ست که هنوز رژیم جمهوری اسلامی دارای  
هژمونی در میان اکثریت مردم ایران است و فعلاً سرنگونی در دستور نیست،

ثالثاً، عدم مرزبندی بورژوازی سرنگونی طلب. تاکید ما به ویژه در مورد سوم بر این مبنا بود که گفته  
بود با نیروهای کرد منطقه به توافق برای انتشار یک اعلامیه مشترک رسیده اند. ما مطرح کردیم که  
مهم ترین بخش این نیروها در اردوی تغییر رژیم بازی میکنند و بویژه با سرکار آمدن ترامپ و فعال  
شدن دولت های عربستان و اسرائیل جسارت شان در پیشبرد این سیاست افزایش یافته است. اما در پاسخ  
به این نکته مطرح شده توسط ما در نوشته ۲۲ آوریل مطرح ساخت: "بك نکته كه هیچ ربطی به

اطلاعیه ندارد و بصورتی و آرونه به استناد به يك مثال از صحبت های شفاهی من در جلسه شورا به آن استناد می شود مسئله کردستان است و فرصت طلبانه اینگونه بیان می شود که ما موضعی با نیروهای بورژوازی در منطقه نداریم! این مخلطه در بحث است و دفاع از مواضع روشن ما در رابطه با کلیت رژیم و نیروهای بورژوازی و امپریالیستی در مقابل این رفقا فعلا موضعی نداریم. متأسفانه ادعای واقیعت انطباق ندارد و هم برداشت ما از جلسه ۱۰ آوریل درست است و هم در این زمینه فاکت های زیادی وجود دارد که نشان دهنده صحت مسئله ای است که ما مطرح کرده ایم.

۱- در ششم آوریل در مقر شما یعنی رفقای حزب کمونیست ایران جلسه ای مشترک تشکیل شده است با شرکت شش نیرو برای بررسی موضع مشترک در باره تحریم انتخابات. سایر نیروهای عبارت بوده اند از دو حزب دمکرات، کومله های مهتدی و ایلخانی زاده و خبات. در پایان این جلسه . ر. ابراهیم علیزاده در کنفرانس مطبوعاتی همراه با نیروهای دیگر شرکت کرده است و همراه با نیروهای دیگر به سئوالات خبرنگاران پاسخ داده اند. گزارش این نشست همراه با عکس های آن در ارگان مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، کومله زحمتکشان (ایلخانی زاده، بخش کردی)، حزب کومله (مهتدی بخش کردی) و در تعدادی از سایت های کردی...منتشر شده است. برخی از لینک ها به ترتیب ارگان مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، کومله زحمتکشان (ایلخانی زاده) و حزب کومله (مهتدی) در زیر آمده است:

<http://www.kurdistanmedia.com/wenekan/2017-04/166896-4c9186fe2dbd4f2eb5e8d7fffc8a6e32.pdf>

<http://www.komala.com/4565>

<http://komala.org/dreja.aspx?hewal&jmare=1212&Jor=1>

۲- در میان شش جریان قرار گذاشته شده است که برای همکاری درباره تحریم فعال در دو هفته بعد جلسه دیگری برگزار شود که در آخر هفته گذشته بوده است. در مورد برگزاری و یا نتیجه برگزاری جلسه دوم که قرار بود در آخر هفته قبل برگزار شده است هنوز گزارشی منتشر نشده است. بنابراین برخلاف ادعای شما مسئله نه مثال بلکه به طور مشخص همکاری ئی بوده است که قبل از مطرح شدن تحریم مشترک با جمع ما یا با شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست با نیروهای کرد منطقه سازمان یافته و پیگری شده است.



۳- سؤال ما از این است که چرا با شفافیت درباره دو تلاش موازی برای امضاء اطلاعیه تحریم انتخابات اطلاع رسانی درست نمیکند و هنگامی که ما به استناد سخنان او در باره تناقض موجود در اتحاد عمل با اردوی تغییر رژیم در کردستان هشدار میدهیم، هشدار ما را مغلطه مینامد و اعلام میکند که مثال زده است- یعنی چنین چیزی نبوده است- در حالی که گزارش آن در رسانه ها انتشار یافته است؟ ما منتظر شنیدن توضیحات و همچنین گزارشی از پیشرفت این اتحاد عمل هستیم و فکر میکنیم که اگر قطب چپ اولویت رفقا باشد، نباید مشکلی در ارائه گزارش در این ارتباط به ما وجود داشته باشد تا اعضای شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بدانند از جمله سازمان ما بدانند که در جریان کدام اتحاد عمل های موازی قرار دارند آن هم در شرایطی که نیروهای کرد منطقه این گزارشات را نه فقط دریافت بلکه به طور علنی منتشر میکنند. باید اعلام کنیم که در حالی که هنوز سه هفته به انتخابات مانده است برای ما عجله برای سرانجام رساندن این اطلاعیه و انتشار فوری و فوتی آن بدون بحث روشن شدن جوانب مهمی که در بالا مطرح کردیم، قابل درک نیست. بهر حال با توجه به آن چه که در بالا مطرح شد اکنون رفقائی که اطلاعیه امضاء میکنند مطمئناً مشکلی با این اتحاد عملی موازی ندارد.

۴- نماینده حزب کمونیست ایران اما در یادداشت ۲۴ آوریل خود بدون توجه به تاکید اصلی ما در باره مرزبندی با نیروهای تغییر رژیم اختلاف را به دو نگاه از انتخابات مربوط منتسب میکند. در حالی که این مسئله درست نیست. مسئله این است که اولاً، این اختلاف وجود داشته و علیرغم آن در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ و هم انتخابات مجلس و خبرگان ۹۴ ما اعلامیه مشترک تحریم منتشر کردیم که ارزیابی از شرکت کنندگان در انتخابات را کنار نهاده شده است.

اعلامیه تحریم سال ۹۲

[http://www.rahekargar.net/statments\\_2013/2013-06-16\\_27\\_etehad-entekhabat.pdf](http://www.rahekargar.net/statments_2013/2013-06-16_27_etehad-entekhabat.pdf)

اعلامیه تحریم سال ۹۴

<http://www.rahekargar.net/browsf.php?cId=1089&Id=13&pgn=6>

ثانیاً، ما خواسته بودیم که آن قسمت مربوط به توهم اکثریت مردم به رژیم جمهوری اسلامی حذف شده و جمله مورد توافق نشست چهارم که به اتفاق آراء تائید شده است آورده شود. " **رژیم جمهوری**

اسلامی تلاش میکند آرزوی تغییر رابه تنور انتخابات حواله داده وامید کاذب برون رفت از شرایط فلاکتبار کنونی از طریق انتخابات را در افکار عمومی جایگزین انقلاب اجتماعی کنند درحالیکه اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی و همه جناحهای رنگارنگ آن هستند. "

به این ترتیب

انتخابات" ریاست جمهوری که در آن فقط مردان معتقد به ولایت فقیه و رد شده از غربال انواع نظارت های استصوابی، شورای نگهبان و شورای مصلحت نظام و... می توانند شرکت کنند، حتی با عرف انتخابات های "دموکراتیک" نظام سرمایه داری هم همخوانی ندارد. این نمایشات، نه اکنون و نه در تمام طول حاکمیت جمهوری اسلامی موضوعیتی برای مردم آزادیخواه و حق طلب نداشته و ندارد. رژیم جمهوری اسلامی تلاش میکند آرزوی تغییر رابه تنور انتخابات حواله داده وامید کاذب برون رفت از شرایط فلاکتبار کنونی از طریق انتخابات را در افکار عمومی جایگزین انقلاب اجتماعی کنند درحالیکه اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی و همه جناحهای رنگارنگ آن هستند. "

۵- هیچ کدام از رفقا به اعلامیه آلترناتیو ما انتقادی وارد نکرده اند. ما همچنان پیشنهادمان را کامل تر، همه جانبه تر میدانیم که داده های مشخص انتخابات را مورد نظر قرار داده و میتواند بر روی مخاطب اثر گذار باشد در حالی که با هر دو اردوی بورژوازی به طور مشخص و مستدل مرزبندی کرده است.

۶- با توجه به تمدید مهلت برخورد با پیش نویس تا هفته آینده توسط هیئت هماهنگی ما نظرمان را در مورد اصلاحات پیش نویس در روزهای آینده ارائه خواهیم کرد.

با بهترین درودها

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

\*\*\*\*\*

۲۴ آوریل

رفقای هیات هماهنگی و شورای نمایندگان

همانگونه که ملاحظه می کنید رفقای روابط عمومی راه کارگر اطلاعیه آترناتیو خود را ارائه داده اند. آنچه مشخص است **دو نگاه در برخورد به پدیده انتخابات در نظام جمهوری اسلامی وجود داشته** و دارد و این تا حدی در تنظیم این اطلاعیه ها هم خود را نشان می دهد حقیقتش را بخواهید من بر علم بر تفاوت برخوردها از همان اول نحواستم وارد نکاتی شوم که توافق روی آنها وجود ندارد و برای من اعلام موضع جمعی نیروهای چپ و کمونیست مهم بود. هرچند می توان به تفصیل روی این مسئله وارد مبارزه ایدئولوژیک شد (کما اینکه تعدادی از رفقا شدند).

بهرروی تصمیم گیری با هیات هماهنگی است .

من نسخه آخر را که احمدی نژاد و ... را برداشتم دوباره برایتان می فرستم  
نماینده حزب کمونیست ایران (تاکیدات به رنگ قرمز از ماست)

\*\*\*\*\*

۲۲ آوریل

رفقا من تا دوشنبه امکان مداخله و بررسی خواست های مفصل رفقای روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را ندارم و در نگاهی سریع به مفاد این شاید بعدا هم نداشته باشم. شاید بهتر بود آنها اطلاعیه آترناتیو تهیه می کردند که همگی تکلیف خود را می دانستند. آنچه آنها نوشته اند مقاله ای تفسیری است نه تصحیح پیشنهادی یک اطلاعیه

یک نکته که هیچ ربطی به اطلاعیه ندارد و بصورتی وارونه به استناد به یک مثال از صحبت های شفاهی من در جلسه شورا به آن استناد می شود مسئله کردستان است و فرصت طلبانه اینگونه بیان می شود که ما موضعی با نیروهای بورژوازی در منطقه نداریم! این مخلطه در بحث است و دفاع از مواضع روشن ما در رابطه با کلیت رژیم و نیروهای بورژوازی و امیریالیستی در مقابل این رفقا فعلا موضوعیتی ندارد بهررو هیات هماهنگی با توجه به نقدهای که از طرف رفقا به مواضع این رفقا و با توجه به انعطاف هایی که من برای وارد کردن ملاحظات در پیشنهادی داده ام روشن کند که چکار کنیم  
نماینده حزب کمونیست ایران (تاکیدات به رنگ قرمز از ماست)

## احزاب کردستان ایران



شش حزب و جریان سیاسی کردستان ایران در مقر کومه (شاخه‌ی کردستانی حزب کمونیست ایران) گرد هم آمدند. روز پنجشنبه ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی، شش حزب و جریان سیاسی کردستان ایران در مقر کومه (شاخه‌ی کردستانی حزب کمونیست ایران) گرد هم آمدند تا اتخاذ مواضع مشترک در قبال انتخابات ریاست جمهوری رژیم ایران را بررسی نمایند. هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران نیز به سرپرستی "محمد نظیف قادری" عضو دفتر سیاسی حزب در این نشست حضور داشت. محور اصلی مباحث مطرح شده در این نشست، انتخابات ریاست جمهوری رژیم در ۲۹ اردیبهشت‌ماه سال جاری بود که مقدمات خیمه‌شب‌بازی مربوط به آن، از مدت‌ها قبل از سوی رژیم آماده شده است.

ابراهیم علیزاده، دبیر آن به ایراد سخن نمایندگان هر یک از حاضر در نشست، به سؤالات خبرنگاران

انتخابات ندارد، اساساً رئیس جمهور نه قدرت و نه ارزش چندانی دارد. در خاتمه‌ی نشست مزبور، یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور خبرنگاران رسانه‌ها برگزار شد که

در این نشست هر کدام از طرف‌ها دیدگاه و تحلیل احزاب متبوع خود را در رابطه با مسأله مطرح نمودند و همگی بر این باور بودند که در یک نظام دگم و بسته که اعتقادی به



Reza Kaabi

April 6 at 9:23am · 🌐

شەش لایەتی سیاسی #پروژەهلانی\_کوردستان گۆکن لەسەر #بەدکوت کردنی شانۆی #هەلێزاردن.  
 #بێبیراھیم\_هەلێزاردە بە ئۆلێمراھیتی شەش لایەتی سیاسی #پروژەهلانت لە یرلێس کۆنفرانسیکدا پراگەیلاند: "بە  
 خۆشحالیەوه ئە گۆبوونەوهی ئەمەڕۆمان تەفریبەن هەموو حیزبەکان لەسەر شانۆی هەلێزاردنی  
 #کۆماری\_ئێسایەتی هاوڕا بوون. بەلام بۆ دەرکردنی بەیاننامەیکە هاوێش و تەحریمی چالاک یلویستە  
 وردتر قسەئ لەسەر بکەین و بریارماندا دوو حەوتووی تر جارێکی دی کۆیینەوه، بەلکۆو یلکۆه  
 بەیانامەیکە هاوێش بۆ تەحریمی شانۆی هەلێزاردنی سەرۆک کۆماری ئە ئێران یانو بکەینەوه".  
 ئە لایەری: Jamal Najari



روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)

نوشتە پنجم :

نوشتە پنجم روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)

درباره پیش نویس اعلامیه تحریم انتخابات

پنجشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۷ آوریل ۲۰۱۷

از روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به شورای نمایندگان در باره توجیهات و عدم پاسخ به سئوالات ما

و با سلام به رفقای شورای نمایندگان

رفیق گرامی (نماینده حزب کمونیست ایران) : متأسفانه شما در مورد پاسخ به سئوالات مشخص ما- که ما تصور میکنیم سؤال بسیاری از فعالانی است که از اعضای سازمان ها و نهادهای شورای همکاری هستند- نه فقط طفره رفته اید بلکه دوباره تلاش کرده اید به جای روشنگری با آوردن ادعاهای نامربوط به سؤال ما مسئله را بپوشانید.

۱- در حالی که حزب شما مبتکر و دعوت کننده جلسه مشترک ششم آوریل در مقر مرکزی تان درباره هماهنگی و توافق درباره تحریم انتخابات با نیروهای کرد در منطقه و پس از توافق و خاتمه جلسه سخنگوی جمع مزبور در مصاحبه مطبوعاتی نیروها بوده است شما در پاسخ به سؤال ما که این اتحاد عمل اکنون به کجا رسیده است اولاً، حتی این واقعیت غیرقابل کتمان را انکار کرده و ثانیاً، به جای ارائه گزارش از مرحله پیشرفت کار به شورا مطرح کرده اید "نشستن و مرادوات و بعضی توافقات معمول ما با نیروهای ناسیونالیستی در کردستان را روی پاره ای از همکاری های ضروری در منطقه حساس کردستان عراق را به عدم موضع گیری ما در این رابطه تعمیم داده اند". آیا توافق درباره تاکتیک انتخابات که همراه با طرح شعار سرنگونی و سایر ملزومات ناشی از آن است بعضی بعضی توافقات معمول ما با نیروهای ناسیونالیستی در کردستان میباشد. این تشکیل نوعی جبهه متحد از نیروهای کرد با تاکتیک تحریم و براندازی بدون مرزبندی با جبهه تغییر رژیم با برخی از نیروهائی است که در بساط ارتجاع منطقه و امپریالیسم بازی میکنند و نیروهائی که شما با آن ها وارد این اتحاد عمل برای تحریم شده اید نه فقط در جبهه تغییر رژیم (regime change) قرار دارند بلکه برخی از آن ها در این کجراه با استدعای تشکیل منطقه پرواز ممنوع از دولت آمریکا، شرکت در کنفرانس هائی نظیر پاریس، استکهلم و پراگ و ... شهره آفاق و رسوای هر آزادی خواه و دمکرات هستند.



۲- ما در اولین نوشته روابط عمومی سازمان مورخه ۱۲ آوریل در ارتباط با پیش نویس ارائه شده توسط شما گفتیم: « - نکته دیگر اعلام این خبر توسط در جلسه دهم آوریل بود که آن ها همراه همه جریانات کردستان ایران به توافق برای انتشار اعلامیه ای برای تحریم انتخابات رسیده اند. تردیدی نیست که اکثر این نیروها اکنون در بساط عربستان، اسرائیل و دولت ترامپ بازی می کنند و همان طور که در بالا گفتیم تحریم، انقلاب و سرنگونی خود به خود و فی نفسه نمی تواند مبین ترقی خواهی باشد. بلکه باید روشن شود که تحریم، سرنگونی و انقلابی که این نیروها در پی آن هستند کدام منافع را نمایندگی می کند و آیا منافع پیکار برای آزادی و دموکراسی در ایران را نشانه رفته است یا نه؟ مسلم است که در اتحاد عمل با جریانات نماینده جناح های گوناگون بورژوازی کرد نمی توان رویکرد کنونی آن ها برای آویزان شدن به قدرت های ارتجاعی منطقه ای و جهانی را نادیده گرفت و آن را از دایره موضع گیری های ضروری و حیاتی کنار نهاد. در صورتی که رفقای حزب کمونیست ایران این اتحاد عمل را بدون مرزبندی روشن و محکوم کردن رویکرد ارتجاعی آویختن این نیروها به قدرت های ارتجاعی منطقه ای و جهانی انجام دهند نه فقط مرتکب خطای تاکتیکی شده اند بلکه یا در راه یک خطای استراتژیک فاحش نهاده اند.» (پایان نقل قول از نامه روابط عمومی به شورای نمایندگان مورخه چهارشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۶ برابر با ۱۲ آوریل ۲۰۱۷).

روابط عمومی سازمان ما در شرایطی این نامه را نوشت که هنوز در جریان گزارشات منتشر شده از سوی سازمان ها کرد در ارتباط با جلسه مشترک ششم آوریل در مقر رفقای حزب کمونیست در سلیمانیه قرار نداشت. پس از تاکید مجدد ما بر روی مرزبندی با اردوی تغییر رژیم- در نوشته دوم روابط عمومی مورخه ۲۲ آوریل- شما در پاسخ به ما در همان روز ۲۲ آوریل میگوید: "بک نکته که هیچ ربطی به اطلاعیه ندارد و بصورتی و آرونه به استناد به یک مثال از صحبت های شفاهی من در جلسه شورا به آن استناد می شود مسئله کردستان است و فرصت طلبانه اینگونه بیان می شود که ما موضعی با نیروهای بورژوازی در منطقه نداریم! این مخلطه در بحث است و دفاع از مواضع روشن ما در رابطه با کلیت رژیم و نیروهای بورژوازی و امپریالیستی در مقابل این رفقا فعلا موضوعیتی ندارد." و این بدان معنی میباشد که استناد ما غیر واقعی بوده و آن چه که شما مطرح کرده کرده اند صرفاً یک مثال بوده است.... شما به جای انتقاد از خود، از عدم اطلاع رسانی صحیح در یادداشت ۲۲ آوریل و تصحیح اشتباه و البته ارائه گزارشی بی رتوش از روند اتحاد عمل های موازی که مبتکر آن شما بوده اید در ارتباط با سؤال صریح ما مبنی بر آنکه این توافق برای اتحاد عمل با نیروهای کرد در کدام مرحله قرار دارد باز با اعلام «نشستن و مراودات و بعضی توافقات معمول ما با نیروهای ناسیونالیستی در کردستان را روی پاره ای از همکاری های ضروری در منطقه حساس کردستان عراق را به عدم موضع گیری ما در این رابطه تعمیم داده اند.» « منکر مسئله میشود. کمونیست ها وظیفه دارند که حقایق و همه حقایق را به طبقه کارگر و مردم بگویند و به طریق اولی طرح آن در مناسبات میان کمونیست ها و آن هم در یک نهاد همکاری میان نیروهای کمونیست و چپ یک باید

و یک وظیفه مفروض است. انکار این حقیقت مانند انکار روز روشن از سوی شما به عنوان در حالی صورت میگیرد که جریانات کردی که در روند این اتحاد عمل برای تحریم رژیم قرار دارند در مطبوعات و رسانه های اجتماعی شان این توافق و اتحاد عمل مبتنی بر آن را مطرح ساخته و اعلام کرده اند که علاوه بر توافق بر روی رؤس موضع گیری ها در جلسه ششم آوریل، جلسه دوم دو هفته بعد برای بررسی جوانب مربوط به تحریم فعال برگزار خواهد شد.

۳- آن چه که ما خطای استراتژیک فاحش نامیده ایم ایجاد یک ائتلاف ملی از نیروهای کرد به بهانه انتخابات است (زیرا همه ما قبول داریم که انتخابات در جمهوری اسلامی یک نمایش، مضحکه و پرده ساتری برای استبداد مطلقه است). بدین ترتیب جبهه ای ملی که یک سر آن هجری ها و مهدی ها (بورژوازی ترامپیست) سردیگر آن خبات (نماینده سران عشایر و بقایای فئودال ها) با حضور، ابتکار و سخنگویی کمونیست ها ی کرد تشکیل میشود. ائتلاف و یا همکاری ئی که توافق شده است نه بعضی توافقات معمول ما با نیروهای ناسیونالیستی در کردستان نه تمهیدی برای تقویب مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی بلکه تاکتیکی است که با هزاران رشته به عمق استراتژی و برنامه یک نیروی چپ ارتباط دارد، جبهه طبقاتی را در مهرباب این جبهه ملی همه با هم قربانی ساخته و اتحاد طبقاتی نیروی کار و زحمت، جنبش کمونیستی و کارگری و مبارزه علیه استبداد حاکم، سرمایه داخلی و جهانی را تضعیف میکند. اگر نیروی مانند مهدی و شرکاء خوشبختانه رسماً از کمونیسم اعلام برائت میکنند کومله ای که به نام بخش کردستانی حزب کمونیست ایران خود را کمونیست میداند مسلماً نباید وارد چنین جبهه ای شود چه برسد به آن که معمار و مبتکر این الگواز جبهه همه با هم شود. در این جبهه همه با هم - این شما هستید که خواه ناخواه ناچار به امتیاز دادن به ناسیونالیسم شده و صف همه ناسیونالیست های کرد را در کنار هم ایستاده اند را تشکیل داده اید: از فئودال ها تا بورژوازی تا به اصطلاح کمونیست ها در یک صف واحد! و تردیدی نیست که برای نشان دادن این همه عرق و تعصب ملی همه ناسیونالیست ها برای شما کف خواهند زد. مرزبندی ئی که شما با بورژوازی برانداز کمپ تغییر رژیم در اعلامیه تان با نیروهای چپ وارد کرده اید آب نبات چوبی و یا درختی است که جنگل جبهه ملی کرد با توصیفات را که مطرح کردیم می پوشاند. همانطور که قبلاً توضیح دادیم ما بر آن نیستیم که به بهانه تحریم انتخابات ضمیمه جبهه مزبور شویم در حالی که شورای همکاری از روز اول علیه چنین جبهه سازئی های شکل گرفته و بارهای بار از طریق بیانیه ها و اعلامیه های خود به صراحت بر آن تاکید کرده است.

۴- شما بارها به مواضع تان در ارتباط با ناسیونالیسم کرد، امپریالیسم و ... اشاره کرده و میخواستید به ما اطمینان بدهید که در این زمینه مشکلی وجود ندارد. شما بهتر از هر کس دیگر میدانید که ما در پیام هائی که در سال های اخیر برای روز علنی شدن فعالیت کومله انتشار داده ایم علیرغم اختلافاتی که با



شما در مورد نوع سوسیالیسم، استراتژی سوسیالیستی و .. داریم با قاطعیت از موضع کمونیستی کومله و دفاع از میراث و سنت چپ کمونیستی آن توسط شما، در برابر انحرافات و انحطاط ناسیونالیستی بخش های دیگر کومله، حمایت کرده و این را وظیفه هر سوسیالیست و کمونیست راستین ایرانی دانسته ایم. اما واقعیت این است که متأسفانه شما به بهانه انتخابات مبتکر ائتلافی شده اید که وارد شدن در آن با هر استدلال و بهانه ای فرقی در واقعیت عملی مسئله به وجود نخواهد آورد و ما به خاطر تعهدی به طبقه کارگر، انقلاب و سوسیالیسم داریم با همان قاطعیت این نقض اصولیت را موردانتقاد قرار خواهیم داد.

۵- سؤال مشخص ما از شما به عنوان این است که روند اتحاد عمل برای تحریم رژیم با نیروهای کرد در کدام مرحله قرار دارد؟ شما که مبتکر پیش برد همزمان و موازی این دو اتحاد عمل بوده اید و هستید چرا گزارشی از مرحله پیشرفت کار جبهه ملی کرد نمی دهید؟ ما این سؤال را از شما مطرح کرده ایم و شما تا هم اکنون از پاسخ به آن شانه خالی کرده اید. ما همچنان خواهان پاسخ شما به این سؤال هستیم. بهر حال ما همه در برابر جنبش طبقاتی مان پاسخگو هستیم اعم از آن اعضای از شورا که موضع شما را ندید تائید میکنند، یا درباره آن سکوت میکنند و یا با رفع و رجوع کاری که انجام داده اید مهر تائید بر آن میزنند.

با بهترین درودها

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

**نوشته ششم**

از روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

درباره اعلامیه تحریم انتخابات

جمعه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۸ آوریل ۲۰۱۷

به شورای نمایندگان!

رفقا دقایقی پیش به رفیق نماینده حزب کمونیست ایران، از بی بی فارسی جواب سؤال مان را گرفتیم. در زیر متن اعلام خبر تحریم انتخابات شش سازمان کرد منتشر شده است. بنابراین روشن است که ابتدا حدس ما و سپس استناد ما به واقعیت هائی که نماینده حزب کمونیست ایران همه آن ها را در این مدت با اصرار انکار میکرد قرین واقعیت بوده است. اکنون تردیدی نیست که اصرار نماینده حزب کمونیست ایران برای لاپوشانی حقایق برای آن بود که قبل از انتشار بیانیه مشترک، امضاء شورا را گرفته و درحقیقت شورا را در برابر عمل انجام شده قرار دهد. سازمان ما در این مورد موضع خود را اعلام خواهد کرد.

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)

بی بی سی فارسی!

شش حزب کرد مخالف با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند که انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شوراهاى شهر و روستا را تحریم می‌کنند.

حزب دموکرات کردستان، حزب کومه‌له زحمتکشان کردستان، سازمان خبات کردستان ایران، حزب کومه‌له کردستان ایران، کومه‌له-سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و حزب دموکرات کردستان ایران این بیانیه را امضا کرده‌اند.

ناظران تحولات کردستان ایران می‌گویند انتشار چنین بیانیه مشترکی با امضای شش حزب مخالف در سه دهه اخیر کم سابقه است.

**نوشته هفتم :**

از روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)

درباره پیش نویس اعلامیه تحریم انتخابات

به شورای نمایندگان

جمعه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۸ آوریل ۲۰۱۷

به نماینده حزب کمونیست ایران !

شما نوشته های خودتان را نمی خوانید زیرا در غیراینصورت لااقل متوجه تناقض هائی زنجیره ای در گفته هایتان میشدید. بهمین خاطر است که در این نوشته کوتاه باز دچار تناقض های مکرری شده اید که هر خواننده ای بسادگی متوجه آن میشود به غیراز شما که قصد حقایق را لاپوشانی کند. خوشبختانه نوشته های ما و شما کتبی و سیاه بر روی سفید و برملاء کننده حقایق برای هر کسی است که به عنوان یک ناظر بی طرف در پی داستن حقیقت است.

نکته اول - فهرست تناقض گوئی های شما:

- در جلسه دهم آوریل مطرح میکنید که درصدد اتحاد عمل با نیروهای کرد منطقه برای تحریم هستید اما گزارشی از جلسه ششم آوریل و توافقات حاصله در آن به جلسه ارائه نمیدهید. شاهد همه رفقای شرکت کننده در جلسه دهم آوریل شورای نمایندگان .

- هنگامی که ما این همکاری را در نوشته هایمان در ۱۲ و ۲۲ آوریل به عنوان همکاری با جبهه تغییر رژیم به نقد میکشیم در یادداشت تان در ۲۲ آوریل میگوئید: "بك نکته كه هیچ ربطی به اطلاعیه ندارد و بصورتی و آرونه به استناد به يك مثال از صحبت های شفاهی من در جلسه شورا به آن استناد می شود مسئله كردستان است و فرصت طلباته اینگونه بیان می شود كه ما موضعی با نیروهای بورژوایی در منطقه نداریم! این مخلطه در بحث است و دفاع از مواضع روشن ما در رابطه با کلیت رژیم و نیروهای بورژوایی و امپریالیستی در مقابل این رفقا فعلا موضوعیتی ندارد". و این بدان معنی میباشد كه استناد ما غیرواقعی بوده و آن چه كه شما مطرح کرده اند صرفاً یک مثال بوده است...".

- در ادامه هنگامی كه ما اخبار مربوط به این اتحاد عمل را سازمان های کرد منتشر کرده اند به عنوان فاكت همکاری شما مطرح میکنم با كمال تعجب دوباره واقعیت ها را انكار کرده و میگوئید: "نشستن و مراودات و بعضی توافقات معمول ما با نیروهای ناسیونالیستی در كردستان را روی پاره ای از همکاری های ضروری در منطقه حساس كردستان عراق را به عدم موضع گیری ما در این رابطه تعمیم داده اند". در حالی كه این اولین بار است كه در چند دهه گذشته - به جز هیئت نمایندگی

خلق کرد در اوائل انقلاب- که سازمان های اصلی کردستان با هم وارد اتحاد عمل میشوند. این را هر کسی با حداقل اطلاعات از جنبش میداند و در تمامی این دوره روش شما اطلاع رسانی غلط، مخفی کاری از شورا درباره اتحاد عمل بانبروهای کرد بوده است.

- هنگامی که ما از بی بی سی فارسی اخبار را دریافت میکنیم شما با یک چرخش صدو هشتاد درجه به اظهارات ناقص تان در جلسه دهم آوریل استناد میکنید و میگوئید که مسئله را از اول برای شورا مطرح کرده اید. " **چون من این اطلاعات را در من در جلسه شورای نمایندگان بیش از دو هفته پیش و قبل از نوشتن پیشنویس اطلاعیه به عرض رسانده بودم که تشکیلات کردستان ما بر اساس یک سیاست مدون (که در نامه فبلی مصوبه کنگره دهم کومه له را هم برایتان فرستاده بودم) در تلاش است هماهنگی در بین نیروهای کرد (علیرغم تفاوتهای سیاسی و ایدئولوژیک بین آنها) بر علیه جمهوری اسلامی ایجاد کند و تحریم انتخابات یکی از این موارد است.** "

پس چرا استناد ما را در دو نوشته ۱۲ و ۲۲ آوریل را مغلطه نامیدید و فاکت های مربوط به همکاری به جلسه همکاری با جریانات کرد را توافقات معمول با نیروهای ناسیونالیستی نامیدید در حالی که این نه توافق معمولی بلکه یک اتحاد عمل سیاسی بود که برای اولین بار میان این نیروها صورت میگرفت.

نکته دوم- استدلال برای دور زدن ائتلاف شان با نیروی های تغییر رژیم بدین قرار است: در کردستان با نیروهای "تغییر رژیم" همکاری میکنیم اما در سطح سراسری با نیروهای ضد "تغییر رژیم" و این ها به هم ربطی ندارد زیرا که اولی مسئله ای منطقه ای است و دومی سراسری. این استدلال بی پایه و فاقد منطق است.

۱، در کردستان حزب کمونیست به کمی "تغییر رژیم" پیوسته و بهمین خاطر ناچار بوده است که در باره اردوی تغییر رژیم در این اطاعیه سکوت اختیار کند. ائتلاف ائتلاف است و فرقی نمیکند که در سطح ملی باشد یا منطقه ای. تحریم شما نه تحریم انتخابات در کردستان ایران بلکه تحریم انتخابات سراسری هم ریاست جمهوری و شوراها در سطح ایران است.

۲، معیار عمل سیاسی است و نه حرف و ادعا. حزب کمونیست ایران با نیروهائی که برخی از آن ها از ستاره های اردوی تغییر رژیم هستند وارد ائتلاف سیاسی شده است با این وصف نماینده حزب ادعا

می‌کند که با این نیروها مرزبندی دارد. به طور مشخص شما در جمله پیشنهادی ما نام نیروهای نیابتی یا "تغییر رژیم" را حذف کرده اید زیرا آن‌ها اکنون از متحدین اتحاد عمل‌های سیاسی تان هستند.

۳، همانطور که گفتیم حزب دمکرات کردستان ایران و حزب کومله کردستان ایران سابقه روشنی در طرفداری از سیاست تغییر رژیم دارند. از نامه به بوش مصطفی هجری، تا تقاضای او برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر کردستان ایران توسط آمریکا، شرکت در جریان «کنگره ملیت‌های ایران فدرال» که اکنون تحت حمایت عربستان سعودی است، شرکت هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران در مراسم روز استقلال عربستان سعودی در شهر اربیل روز دوشنبه پنجم مهرماه، اعلام این که رژیم ایران دشمن مشترک حزب دمکرات و اسرائیل است در مصاحبه مصطفی هجری با "اورشلیم پست"، و اعلام موضعی مشابه با ناتناهیو در مخالفت با برجام که معنای آن در بهترین حالت تحریم‌های فلج‌کننده و یا گزین حمله نظامی به ایران است در همان مصاحبه ... در مورد حزب کومله ایران نیز که از جمله اعضای فعال «کنگره ملیت‌های ایران فدرال» است و تلویزیون روژهلات وابسته به آن‌ها از جمله همکاری تنگاتنگی با علیرضا نوری زاده از حقوق‌بگیران شناخته شده عربستان داشتند از نیروهای این همکاری مشترک هستند. جنبش "فدرال دمکرات آذربایجان" که خود ده سال در این کنگره شرکت داشت با توجه به وابستگی این تشکل به عربستان سعودی از آن خارج شده. آنها در اطلاعیه خروج خود اعلام کردند: "به اعتقاد ما، عملیات مسلحانه حزب دمکرات کردستان در داخل ایران، اکنون ماهیتی متفاوت از ایستادگی مسلحانه و دفاع از خود مشروع آن در دوره بعد از انقلاب در برابر یورش ارتجاعی ارتش و سپاه پاسداران را به نمایش می‌گذارد. این نه جنگ آزادی بخش است و نه پیکار برای دموکراسی، بلکه مشارکت در جزئی از جنگ‌های نیابتی در منطقه است که عربستان یکی از پایه‌های اصلی و منبع اصلی تامین مالی این ویرانگری‌ها است، که موجب مرگ صد ها هزار انسان بی‌گناه و بی‌خانمانی ده ها میلیون انسان بوده است . دشمن دشمن من ضرورتاً در همه موارد و در هر شرایطی، دوست من نیست، و خطر در همین جا لانه کرده است!"

رفقا با کسانی که اکنون به نیروهای جنگ نیابتی عربستان مبدل شده اند وارد اتحاد عمل سیاسی شده اند. اگر توجه کنیم که نیروی ارتجاعی مانند عربستان اکنون چه فاجعه‌ای در یمن این فقیرترین کشور خاورمیانه برپا ساخته و چگونه میلیون‌ها انسان و از جمله میلیون‌ها کودک در نتیجه بمباران‌های ویرانگر آن در حال مرگ از بیماری، قحطی و سوءتغذیه ناشی از فروپاشی همه زیرساخت‌های این کشور هستند و اگر سیاست‌های استعماری اسرائیل در پایمال کردن حقوق فلسطینی‌ها و سرکوب‌های روزمره کودکان معترض فلسطینی و وضعیت غیرقابل تحمل هزاران هزار زندانی سیاسی زندان‌های

اسرائیل را و... مد نظر قراردهیم آن گاه معنای سیاسی همکاری با کسانی که در جبهه نظامی، سیاسی و رسانه ای "تغییر رژیم" قرار دارند آشکار خواهد شد. آن گاه روشن میشود که نیروهائی که حزب کمونیست ایران با آن ها وارد اتحاد عمل شده است از چه قماش هستند و معنای این همکاری سیاسی چه ابعادی با خود به همراه دارد. آن گاه روشن خواهد شد که به هیچ وجه نمیتوان بامنطقه ای قلمداد کردن این همکار از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرد.

۴، نیروهائی مانند حزب دمکرات کردستان ایران و حزب کومله ایران از پی سیاست های خود وارد ائتلاف ها در سطح سراسری شده اند. شرکت نمایندگان آن ها در کنفرانس های نظیر پاریس، استکهلم و پراگ و... که محل گفتگو برای همکاری و ائتلاف گویای همین واقعیت است. بنابراین چگونه میتوان این مسئله باز هم در سطح منطقه ای محدود کرد.

۵، بیانیه های نشستهای اول، دوم و چهارم که یکی از اصول آن سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی یعنی سرنگونی رژیم از طریق اکثریت مردم و برای اکثریت مردم است و نه سرنگونی توسط نیروهائی که به قدرت های ارتجاعی منطقه ای و جهانی آویزان شده اند با شفافیت غیرقابل انکاری با اردوی تغییر رژیم مرزبندی کرده است. شما با اقدام خود این اصل را نقض کرد اید.

بنابراین نمیتوان در کردستان با نیروهای جنگ نیابتی وارد ائتلاف شد و این ائتلاف را با منطقه ای قلمداد کردن آن ماستمالی کرده و نیروهای چپ و کمونیست را با یک مرزبندی دست و پا شکسته و غیرشفاف به ائتلاف کردستان سنجاق کرد.

سخن کوتاه:

رفقا حزب کمونیست ایران با نقض صریح اصول شورای همکاری اعلامیه تحریم مشترکشان را همراه با نیروهای جنگ نیابتی منتشر ساخته اند. پیشنهاد ما این است که شورا پیش نویس این رفقا را از دستور خارج ساخته و پیش نویس آلترناتیو ما را بدون تغییر بخش مربوط به مرزبندی با نیروهای جنگ نیابتی و تغییر رژیم برای نظرخواهی به جریان اندازد. طبعاً هنوز وقت برای تغییرات مورد نظر رفقا وجود دارد.

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

## نوشته هشتم :

نوشته هشتم روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)  
از روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)

به هیئت هماهنگی

رفقا لطفاً از این نسخه اصلاح شده استفاده کنید

شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۲۹ آوریل ۲۰۱۷

رفقای هیئت هماهنگی با بهترین دروهای کمونیستی !

همانطور که در نتیجه گیری نوشته قبلی (نوشته هفتم مورخه جمعه ۲۸ آوریل) مطرح کردیم رفقا حزب کمونیست ایران با نقض صریح یکی از اصول اساسی شورای همکاری، اعلامیه تحریم مشترکشان را با نیروهای تغییر رژیم و جنگ نیابتی منشتر ساخته اند. پیشنهاد ما این است که شورا پیش نویس ارائه شده توسط حزب کمونیست ایران را که مغایر با اصول اعلام شده همکاری ما میباشد از دستور خارج کند زیرا هدف این پیش نویس منضم ساختن آلترنایتو قطب چپ و سوسیالیستی به جبهه تغییر رژیم شش جریان است. امتیازی که رفقای حزب کمونیست ایران تلاش کرده اند برای گرفتن امضاء از شورا وارد متن پیش نویس شان کنند بخش مثله شده از پیشنهاد ما - در مرزبندی با نیروهای تغییر رژیم و جنگ نیابتی - با حذف نام این نیروها و نیز حاصل عملکرد نیروهای جنگ نیابتی است که گواه آن جنگ های داخلی و فرقه ای در نابودی کشورهایی مانند عراق، سوریه، لیبی و یمن... میباشد. رفقای حزب کمونیست از شورا میخواهند به خاطر همکاری شان با این نیروها، شورائی که خود را کمونیست و چپ میداند، از مرزبندی شفاف و قاطع با این نیروها صرف نظر کند و با حذف نام حزب دمکرات و حزب کومله، باند رجوی، رضا پهلوی و دیگران را نیز خط بزند. از شورا میخواهند مرزبندی با جبهه تغییر و با بخشی از بورژوازی که به اندازه رژیم جمهوری اسلامی برای طبقه کارگر و اکثریت مردم ایران خطرناک است به یک عبارت کلی و مبهم تنزل یابد که هزینه ای برای اتحاد عمل این رفقا با نیروهای جنگ نیابتی در کردستان که با ده ها حلقه به قماش خود در سطح سراسری متصل هستند، نداشته باشد. آن هم در حالی که چه احزاب یاد شده در کردستان، چه

باندرجوی و یا رضا پهلوی و ... از طریق لابی و رسانه های بزرگ قدرت هائی که پشت آن ها قرار دارند فضای سیاسی جامعه را تحت تاثیر قرار میدهند. آلترناتیو چپ در شرایط کنونی است که میتواند درخشش خود را با مواضع شفاف، روشن و بی ابهام نشان داده و تفاوت اساسی قطب چپ با هر دو قطب ارتجاع را در معرض قضاوت همگان و به ویژه طبقه کارگر قرار دهد. ما برای تسهیل دسترسی پیش نویس پیشنهادی مان را برای رای گیری رفقای شورا ارسال میکنیم. و البته همانطور که در نوشته قبلی گفته ایم به جز بخش مربوط به مرزبندی با نیروهای تغییر رژیم و جنگ نیابتی پیشنهادات اصلاحی رفاقا میتواند مورد بررسی قرار گیرد.

به بهترین دروهای رفیقانه

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

**اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست**

**در مورد انتخابات فرمایشی رژیم جمهوری اسلامی**

قرار است دوازدهمین دوره مضحکه انتخابات ریاست جمهوری، "انتخابات" میان دوره ای مجلس شورای اسلامی و همچنین "انتخابات" شوراهای اسلامی شهر و روستا در روز ۲۹ اردیبهشت ۹۶ در ایران برگزار شود.

انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی پرده ساتری بر ماهیت و ساختار استبداد مطلقه و اختیارات نیمه خدائی قانونی (ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی) و عملی ولی فقیه و دستگاه رهبری است که کلیه مواضع کلیدی قدرست سیاسی و قوای قهریه را به صورت انحصاری، غیرانتخابی و مادام العمر در اختیار داشته و به هیچ کس و هیچ نهادی پاسخگو نیست. نهادهای انتخابی رژیم جمهوری اسلامی همه ضنائم بی اختیار و اقتداری هستند که در برابر کانون اصلی و غیرانتخابی قدرت از هیچ نوع اختیاراتی برخوردار نیستند. اما همین نهادهای فاقد قدرت، اختیار و کارکرد نیز صرفاً به عناصر دست چین شده جناح های وابسته به رژیم اسلامی یا خودی ها اختصاص دارد و راه ورود به آن ها نه فقط برای مخالفان رژیم از هر نوع و از جمله افراد مستقل بسته است بلکه از میان خودی ها نیز بنا بر مصلحت دستگاه رهبری تنها افراد محدودی میتوانند وارد رقابت شوند. در انطباق با چنین ساختار



سیاسی فوق استبدادی است که در رژیم جمهوری اسلامی مردم حق رای در انتخابات را دارند اما حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را ندارند و بنابراین ملزومات یک انتخابات واقعی و آزاد نظیر حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بدور از هرگونه اجبار، فشار، ترس و تطمیع، آزادی های بی قید و شرط سیاسی، آزادی تشکل ها و احزاب، رسانه ها، اجتماعات و تبلیغات باید به طور کامل سرکوب و از میان برداشته شود. علاوه بر آن که به خاطر آپارتاید جنسی حاکم در رژیم جمهوری اسلامی زنان به عنوان نیمی از ساکنان کشور از حق انتخاب شدن منع شده اند، علاوه بر آن که به خاطر تبعیض مذهبی نهادی در نظام استبداد مذهبی حاکم به جز پیروان شیعه اثناعشری اقلیت های مذهبی ایران که بخش وسیعی از ساکنان ایران را تشکیل می دهند از حق شرکت در انتخابات محروم هستند، شورای نگهبان تحت امر ولی فقیه که از دستگاه های مهندسی و چیدمان نمایش انتخابات است حتی از میان پیروان شیعه اثناعشری و ذوب شدگان در ولایت مطلقه فقیه تعدادی انگشت شمار از وابستگان به جناح های رژیم را بنا بر سلائق و مصلحت رهبر رژیم اسلامی برچیده و آن گاه از مردم خواسته میشود که به مثابه سیاهی لشکر به نامزدهای برچیده شده رای دهند.

نحوه ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری در این دوره و سپس بیرون کشیدن چند نفر از میان آنها خود به بهترین وجه افشاگر بی معنا بودن انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی است. در نام نویسی این دوره بیش از هزار ششصد نفر از جمله کودکان شش ساله- که رسانه های جمهوری اسلامی با هیاهو آن را نشان دادند- نام نویسی کردند. این پرده از نمایش انتخابات، بالماسکه ای بود برای توجیه تیغ سانسور شورای نگهبان. اما وارد کردن فله ای نامزدها برای اثبات ضرورت تصفیه آنها به نوبه خود افشاگر فقدان آزادی های سیاسی و از جمله آزادی احزاب در رژیم جمهوری اسلامی است که نامزدهای نمایندگان احزاب از طریق روندهای دمکراتیک درون احزاب گزیده شده و سپس به عنوان نامزد برای شرکت در انتخابات معرفی میشوند. علاوه بر آن در میان رد صلاحیت شدگان این دوره ده ها نفر از کاندیداهای جناح اصول گرا و افراد ذوب شده در ولایت مطلقه و از مقامات سرشناس کنونی و یا سابق دستگاه حکومتی نیز بودند که توسط شورای نگهبان رد شدند که شاخص ترین آن ها محمود احمدی نژاد ریاست جمهوری دو دوره ای رژیم جمهوری اسلامی است. او رئیس جمهور محبوب رهبر بود که تقلب گسترده انتخاباتی سال ۸۸ برای تجدید انتخاب او انجام و رژیم هزینه جنبش بزرگ سال ۸۸ را برای ابقاء مجدد وی پرداخت. احمدی نژاد به مثابه بلندگوی رهبر رژیم با شعارها، ماجراجویی هسته ای و عملکرد ویرانگرش کشور را در منگنه یکی از بزرگترین تحریم های تاریخ معاصر سوق داد که حاصل آن بر باد رفتن هفتصد میلیارد دلار درآمد نفتی کشور، فسادهای زنجیره ای از دکل دزدی گرفته تا فساد های هزاران میلیاردی، فشار عظیم تحریم ها بر همه جوانب زندگی اکثریت مردم، بسته

شدن بیش از سه هزار کارخانه و بیکار شدن کارگران در مقیاس توده ای و... بود. این نوع رد صلاحیت ها خود نشان دهنده بی معنی و مسخره بودن انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی است که هیچ معیاری برای وارد شدن نامزدها در عرصه رقابت انتخاباتی (حتی وفاداری مطلق به ولی فقیه) جز سلائق و صلاح دید یک مستبد مطلق العنان یا شخص رهبر و تحمیل آن به رای دهنده وجود ندارد. رهبری که میزان بصیرت او در انتخاب و اکنون رد صلاحیت احمدی نژاد و امثال او به بهترین وجه می تواند مورد قضاوت افکار عمومی قرار گیرد.

اکنون شش نفر نامزد دست چین شده توسط رهبر که به دو گروه اعتدال گرا و اصول گرا تعلق دارند برای انتخابات معرفی شده اند که در میان آن ها دو چهره اصلی رئیسی و روحانی دو جناح رژیم را نمایندگی میکنند و رای دهندگان باید از میان این دست چین شدگان مقبول رهبر یکی را انتخاب کنند.

ورود رئیسی یا آیت الله قتلعام به صحنه انتخابات و تائید صلاحیت او به مثابه نامزد اصلی جناح اصول گرا حادثه مهمی است که افشاگرماهیت و ساختار جنایتکارانه رژیم اسلامی و بازی های انتخاباتی آن میباشد. رئیسی به مثابه یک قاتل حرفه ای در تمامی دوره های حیات رژیم جمهوری اسلامی از مسئولین درجه اول و مجریان مستقیم کشتارها و قتلعام های رژیم جمهوری اسلامی بوده است. مسئولیت در اعدام ها و کشتارهای اوائل دهه شصت، عضویت در هیئت مرگ قتلعام سال شصت و هفت (او به دستور خمینی رهبر و پایه گذار رژیم جمهوری اسلامی در تابستان ۶۷ تنها در عرض مدت کوتاهی هزاران زندانی سیاسی را که در حال گذراندن دوره محکومیت خود بودند به جوخه های مرگ سپرد)، ادامه کشتار در دوره سرکوب ها و اعدام ها سال ۸۸ تنها بخشی از خدمات او به دوام و بقای رژیمی است که به او مقاماتی نظیر معاون اول قوه قضائیه، دادستان کل کشور، دادستان دادگاه عالی روحانیت، عضو مجلس خبرگان را اعطاء کرده است. به پاس این خدمات و سرسپردگی، خامنه ای تولیت آستان قدس رضوی یکی از امپراطوری های مالی وابسته به دستگاه رهبری را به او سپرده است.

اما عملکرد روحانی رئیس جمهور کنونی نیز که نامزد برای دور دوم ریاست جمهوری است، فاجعه پلاسکو، ریزگردهای خوزستان، سیل های سیستان و بلوچستان و آذربایجان، خشک شدن دریاچه ها، رودخانه ها و تالاب های کشور در کنار هوای آلوده کلان شهرها، وضعیت نگران کننده معیشت کارگران که ماه ها حقوق شان پرداخت نمی شود را در ترازنامه خود دارد. ادامه روند رکود، بسته شدن کارخانه ها و مراکز تولیدی و بیکار شدن انبوه کارگران، خصوصی سازی نظام آموزشی از کودکستان گرفته تا دانشگاه ها و همزمان با آن سرعت بخشیدین به خصوصی سازی نظام بهداشت و درمان کشور که هردو هزینه های سرسام آوری بر درآمدهای ناچیز خانواده های کارگران و

زحمتکشان کشور تحمیل میسازد، غارت تام و تمام اموال سازمان تامین اجتماعی، اختلاس از صندوق ذخیره معلمان، عدم پرداخت حقوق بازنشستگان و میلیون ها بازنشسته ای که زندگی خود و خانواده شان به خاک سیاه نشسته، وضعیت بد معیشتی و کاری معلمان کشور و بویژه معلمان آزاد و قراردادی و حقوق های زیر خط فقر میلیون ها ایرانی در کنار حقوق های نجومی مدیران، فرماندهان و مسئولان حکومتی که در قصرهای هدیه ای و بخشش املاک نجومی زندگی می کنند، همه و همه حاصل عملکرد رئیس جمهوری است که اکنون می خواهد بی عدالتی نهادینه شده این سالیان را همچنان ادامه دهد .

با ورود رئیسی، آیت الله قتلعام به عنوان نامزد اصلی اصول گرایان و وجود مصطفی پورمحمدی یکی دیگر از اعضای هیئت مرگ کشتار سال ۶۷ به عنوان وزیر دادگستری کابینه روحانی، یک بار دیگر شبخ قتلعام ها بر فراز فضای سیاسی کشور به حرکت در آمده است. در حالی که مدافعان رئیسی از نقشی که او در قتلعام ها داشته است به عنوان یکی از نقاط قوت و صلابت او دفاع میکنند، انتخابات این دوره فرصتی است برای افشاگری قتلعام ها و جنایات رژیم جمهوری اسلامی در چند دهه گذشته و بویژه قتلعام های تابستان سال شصت و هفت، اعلام حمایت از جنبش دادخواهی خانواده های جان باختگان و زندانیان سیاسی جان بدر برده برای بازگشودن پرنده قتلعام ها و محاکمه عامران و عاملان این جنایت به عنوان جنایت علیه بشریت.

در چنین شرایطی است که بخشی از اپوزیسیون بورژوائی درون و بیرون از حاکمیت و رسانه های وابسته به آنها که هراس شان از جنبش انقلابی و خیزش و انقلاب مردم کمتر از بیت رهبری و "اصولگرایان" نیست در همراهی با جناح های حکومتی می کوشند با توجیهات و بهانه های واهی بخشی از مردم را به "امید" بهتر شدن اوضاع به انتخاب میان به اصطلاح گزینه "جناح بهتر" در برابر "جناح بدتر" به پای صندوق های رای کشانده و عملا به بقای رژیم جمهوری اسلامی مانند همیشه یاری رسانند. این بخش از اپوزیسیون تلاش میکند با تبلیغ این توهم که در برابر استبداد، هیچ راهی جز سرفروود آوردن در برابر دستگاه حاکم، بازی در بساط نمایش انتخاباتی به امید واهی بهتر شدن اوضاع وجود ندارد، جنبش توده ای و انقلابی را خلع سلاح سازد. این در حالی است که چاره رهایی مردم ایران نه گرفتار شدن در دور باطل انتخاب میان این یا آن جناح فاشیسم مذهبی، که مردم ایران در طول چند دهه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی ترازنامه فاجعه بار آن ها را تجربه کرده اند، بلکه در هم شکستن کلیت استبداد حاکم همراه با همه جناح ها رنگارنگ آن به عنوان اولین گام در پیکار برای رهایی است.

بخشی دیگر از اپوزیسیون نیز نظیر باند رجوی، احزابی نظیر حزب دمکرات کردستان ایران، حزب کومله کردستان و نظائر آن ها، رضا پهلوی و شورای سلطنت، نویسندگان نامه سی نفر به ترامپ... و

تمامی اردوی رنگارنگ تغییر رژیم که به قدرت های امپریالیستی و در راس آن ها حکومت ترامپ و نیز ارتجاع منطقه نظیر عربستان، اسرائیل و شرکاء آویزان شده اند، خواهان تحریم و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند اما آن ها خواه ناخواه یا هموار کننده نظام استبدادی و سرکوبگر دیگری هستند که نمونه شاخص آن را مردم ایران در طول پنجاه سال حکومت پهلوی تجربه کرده اند- و بی تردید نظام جمهوری اسلامی نیز فرزند خلف آن می باشد- و یا پیامد عملکرد شان ویرانی کامل کشور در آتش و خون جنگ های منطقه ای و فرقه ای بی پایان است که شاهد آن اوضاع کشورهای در حال سقوط و از هم پاشی نظیر افغانستان، عراق، سوریه، لیبی و یا یمن می باشند. بنابراین سرنگونی مورد نظر این نیروها نه انتقال قدرت سیاسی به اکثریت مردم بلکه انتقال قدرت از ازتجاعی حاکم به ارتجاع ضدمردمی و خطرناک دیگری برای آینده کشور است.

### **کارگران، زحمتکشان، مردم آزاده ایران!**

دردو سال گذشته شما پیکار برای مطالبات پایمال شده تان را به شکل چشم گیری گسترش داده اید. اعتراضات و اعتصابات روزانه کارگری، اعتصابات سراسری معلمان، پرستاران، بازنشستگان کشوری و لشکری، دستفروشان، کولبران، زنان و اقلیت های ملی و مذهبی تحت تبعیض و ستم ایران... اعتراضات شما به آلوده شدن محیط زیست از جمله ریزگردها، به عقب نشینی واداشتن دولت برای اصلاح قانون کارکه هدف آن تحمیل بی حقی و قانونی ساختن بهره کشی هر چه عریان تر بود، اعتراضات تشکل های دانشجویی، اعتراضات و اعتصابات زندانیان سیاسی و خانواده های آنها، اعتراضات علیه اعدام های فله ای... جلوه هائی از ارتقاء جنبش مطالباتی شما بوده است. تنها ادامه وحدت و تشکیلات و گسترش شبکه ها و تشکل های توده ای در همه عرصه های زیست و کار و ارتقاء همبسته پیکارهای شما میتواند راه رهائی واقعی از جهنم رژیم جمهوری اسلامی را در مسیر مبارزه برای آن نوع از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی قرار دهد، که حاصل آن به دست گرفتن سرنوشت و قدرت سیاسی توسط شما اکثریت مردم ایران است. نمایش انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی که اکنون شیخ قتلعام های رژیم جمهوری اسلامی بر سر آن درحال حرکت است، هیچ چیزی جز ادامه وضعیت اسفبار کنونی نصیب شما اکثریت مردم نخواهد ساخت. با تحریم انتخابات با نرفتن به پای صندوق های رأی و شعار "نه به مضحکه انتخاباتی رژیم" نمایش انتخاباتی رژیم را به هر شکل ممکن و موثر با شکست مواجه سازید. راه رهائی شما اکثریت مردم ایران، سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست خود شما و تلاش و مبارزه برای جایگزینی بدیلی سوسیالیستی

است که آزادی، دموکراسی و برابری واقعی را از طریق حاکمیت اکثریت برای اکثریت و به دست اکثریت ممکن میسازد.

**نه به انتخابات فرمایشی رژیم**

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری اسلامی ایران**

**زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

**شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست**

**نوشته نهم :**

نوشته نهم روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

از روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۰۶ می ۲۰۱۷

در پاسخ به نوشته روابط عمومی سازمان راه کارگر (29.04.2017)

نوشته روابط عمومی سازمان راه کارگر چند انتقاد به پیش نویس ما وارد کرده است شامل "طولانی بودن پیش نویس پیشنهادی ما"، "عدم لزوم ارتباط تاکتیکی مانند تحریم با شرایط مشخص"، و "ژلاتینی و جنبشی بودن شورا" که تلاش برای توجیه اتحاد عمل حزب کمونیست است که اصول پایه ای شورای هماهنگی را به شکل آشکار و غیرانکاری نقض کرده است. با تشکر از رفقای "روابط عمومی سازمان راه کارگر" که وارد مباحثه در این مسئله مهم و حیاتی برای جنبش ما شده اند و سایر رفقای که مسئولانه در این بحث مداخله کرده اند و به ویژه رفقای "هیئت هماهنگی" که وقت لازم را برای طرح مباحثات در اختیار اعضای شورا نهاده اند به خاطر اهمیت طرح مفهوم "اصول ژلاتینی" نقدمان را از مسئله آخر شروع کرده و پراختن به نکات دیگر را به نوشته جداگانه ای موکول میکنیم:

**اصول ژلاتینی راه به کجا میبرد!**

- اصول ژلاتینی وشنا در جهت های متضاد: این تز که ما یک جریان شل و ژلاتینی هستیم و بنابراین مهم نیست که حزب کمونیست ایران و ایضاً هر عضو "شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست" به بهانه تحریم با نیروهای اردوی تغییر رژیم و جنگ نیابتی همراه شود به اصل ژلاتین سازی اصول یا تئوریزه کردن اصل فقدان اصولیت راه میبرد. ژلاتین سازی و به بیان بهتر ژمبی سازی اصول، اصولی را که خصلت نمای مرزهای هویت، حیات زنده و واقعی و بنابراین موضوعیت یک تشکل سیاسی است بی معنی ساخته و آن را به جسد یا نعش متحرکی مبدل میسازد که بودن و نبودن آن چندان تفاوتی با هم ندارد. ژلاتین سازی و یا ژمبی سازی اصول در عین حال ترجمان تز "شنا در جهت های متضاد تاکتیکی، استراتژیک و برنامه ای" است. و این بدان معنی است که عضو "شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست" هیچ تعهدی در پایبندی به اصول مورد توافق نداشته بنابراین میتوانید در خارج از شورا، به نام استقلال اعضاء، نه فقط این اصول را زیر پا بگذارد بلکه درست در جهت متضاد اصول مورد توافق شورا وارد همکاری و ائتلاف شود. و البته حداکثر کاری که اعضای شورا در برابر نقض آشکار توافق میتوانند انجام دهند آن است که اگر بخواهند میتوانند به عضوی که این اصول را نقض کرده است، انتقادی وارد کنند. در داخل شورا میتوان با سرنگونی انقلابی موافق بود اما در خارج از شورا با نیروهائی که مخالف آن هستند وارد اتحاد عمل و همکاری شد....

- اتحاد عمل با نیروهای راست: نوشته روابط عمومی سازمان راه کارگر میگوید: "در عین حال نا گفته پیداست که تاکتیک اتحاد عمل با جریانات کردستانی که عموماً گرایش راست را نمایندگی میکنند و غیبت نیروهای چپ کرد نظیر پژاک قابل انتقاد است". روابط عمومی سازمان راه کارگر در این جا با برچسپ "نیروهای راست" ماهیت اردوی "تغییر رژیم" و نیروهای جنگ نیابتی را پنهان و با رفقای حزب کمونیست ایران همگام شده است که آن ها نیز همین توجیه را با استناد به اصطلاح نیروهای ناسیونالیست انجام میدهند. کاربرد این اصطلاحات پرهیزاز خصلت بندی این نیروها به نام واقعی است. و اما کارکرد سیاسی این نوع عناوین وظیفه اش آن است که نیروهای کاملاً متضاد را تحت یک عنوان خنثی از مخاطب پنهان کند. این نیروها، نیروهای تغییر رژیم و جنگ نیابتی هستند و ضرورتاً ربطی به اصطلاحاتی نظیر راست و ناسیونالیست و... ندارند. آیا هر نیروی راست و ناسیونالیست در بساط ارتجاع منطقه و امپریالیسم بازی میکند؟ ظاهراً رفا فرمول بندی ما را قبول دارند که در آن گفته میشود این نیروها به همان اندازه رژیم جمهوری اسلامی ارتجاعی و خطرناک هستند و نیز در اعلامیه اول ماه مه شورا این جمله را امضاء کرده اند که اعلام میکند: "جنبش چپ و کمونیستی ایران با تمام نیرو یار و یاور طبقه کارگر و زحمتکشان ایران برای خودرهائی است و همانگونه که در صف مقدم اردوی مبارزه آشتی ناپذیر و بی تزلزل برای سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی مبارزمی کند، افشاء و انزوی همه محافل، باندها و دسته جات ارتجاع داخلی وابسته به قدرت های

**خارجی و امپریالیستی را یکی از وظایف همیشگی و تعطیل ناپذیر خود می داند.** اما اکنون حزب کمونیست ایران نه فقط تعهد افشاء همیشگی و تعطیل ناپذیر این نیروها را رها ساخته بلکه وارد اتحاد عمل با بخشی از شاخص ترین نیروهای مورد اشاره شده است. نیروهائی که از حمله نظامی و از جمله حمله ناتو به لیبی به عنوان مداخلات انسان دوستانه حمایت کرده، خواهان ایجاد منطقه پرواز ممنوع توسط ارتش امریکا بر فراز کردستان ایران شده و... . تردیدی نیست که بخشی از نیروهای این اتحاد عمل در تضاد آشتی ناپذیر با اولین اصل شورا یا سرنگونی انقلابی قرار دارد که مستلزم سرنگونی کلیت رژیم جمهوری اسلامی و از جمله مقابله با نیروهای ارتجاعی دیگری هستند که با کمک قدرت ارتجاعی منطقه ای و جهانی خواهان جایگزین کردن ارتجاع دیگری به جای ارتجاع حاکم هستند و مرزبندی با هر دو قطب ارتجاع به معنای این است که اتکاء ما تنها به نیروی اردوی کار و زحمت برای خودرسانی از استبداد و سرمایه میباشد. بنابراین این اتحاد عمل نه فقط برخلاف اصول مورد توافق شورا میباشد بلکه با قرار گرفتن حزب کمونیست ایران در کنار نیروهای این اتحاد عمل، به جای افشاء و انزوای این نیروها، قبح مواضع شان را ریخته و مواضع فوق ارتجاعی آنها را تظہیر میکند. شاهد این مدعا، خود مواضع سازمان راه کارگر، هسته اقلیت و شورای استکھلم است که با فروکاستن این انحراف به انتقاد از یک اتحاد عمل با نیروهای راست منطقه خواسته و یا ناخواسته به توجیه گران اتحاد عمل با جریانات طرفدار حمله نظامی، برقراری منطقه ممنوعه، همکاری با شرکت کنندگان در جنگ نیابتی( حمایت شده توسط عربستان و اسرائیل و قدرت های امپریالیستی پشتیبان آن ها)...مبدل شده اند. بنابراین کاربرد اصطلاحاتی نظیر " اتحاد عمل با نیروهای راست یا ناسیونالیست"، "اتحاد عمل منطقه ای در کردستان" و نظایر آن تمهیدی برای پوشاندن اتحاد عمل با نیروهای اردوی تغییر رژیم است که مدافع حمله نظامی، برقراری منطقه پرواز ممنوع، جنگ نیابتی و بازی در بساط ارتجاعی ترین نیروهای داخلی، منطقه ای و قدرت های امپریالیستی هستند.

- این نوع نقض اصول قبلاً هم وجود داشته و مشکلی هم نبوده است. روابط عمومی "سازمان راه کارگر" برای توجیه موضع خود دو مثال نقل میکند که ربطی به ابعاد موضوع کنونی ندارد. مثال اول: اطلاعیه مشترک حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری و حزب حکمتیست درباره اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه بود. ما به موضع نادرست اطلاعیه مشترک این نیروها انتقاد کردیم اما واقعیت این است که علیرغم موضع غلط و راست روانه اتخاذ شده در آن اطلاعیه و بویژه مواضع راست روانه حزب کمونیست کارگری در همکاری با طیف نیروهای راست اروپائی این اطلاعیه در سطح یک اطلاعیه میان این سه نیرو باقی ماند؛ ما به ازاء عملی نداشت و هیچ کدام از این نیروها در جبهه تغییر رژیم قرار نداشتند. مثال مونترال نیز مانند مورد فوق اصلاً قابل مقایسه با آن چه که اکنون

به وقوع پیوسته نیست بنابراین هیچ کدام از این دو مثال ربطی به موضوع و به نقض اصول مورد قبول شورای همکاری ندارد.

- این اتحاد عملی تاکتیکی است. روابط عمومی سازمان راه کارگر پس از چیدن این مقدمات بالاخره حرف اصلی خود را میزند. آن چه که حزب کمونیست ایران انجام داده است یک همکاری تاکتیکی در کردستان با نیروهای راست است. آیا اتحاد عمل با نیروهای جنگ نیابتی یک اتحاد عمل تاکتیکی است یا یک چرخش در استراتژی و برنامه سیاسی. برای پاسخ به این مسئله باید به تحلیل طبقاتی، تحلیل صف نیروهای اردوی کار و زحمت از یک سو در برابر صف نیروهای استبداد و سرمایه از سوی دیگر پرداخت. از آن چه که در بالا توضیح دادیم روشن است که نیروهای جنگ نیابتی و تغییر رژیم در کدام صف از آرایش طبقاتی قرار دارند. اگر حتی مسامحتاً این همکاری را یک اتحاد عمل تاکتیکی تلقی کنیم تردیدی نیست که تاکتیک مزبور تاکتیکی است که بر بستر چرخش در آرایش استراتژیک نیروهای طبقاتی، با بهم ریختن صف کارگران با بورژوازی، صف آزادی و دمکراسی با استبداد، صف انقلاب با ضد انقلاب و صف سوسیالیسم با سرمایه داری انجام شده است و بنابراین تاکتیکی است که عمیقاً در جهت متضاد استراتژی و برنامه شورا یعنی سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با بدیل سوسیالیستی قرار دارد. فراموش نباید کرد که پس از انقلاب هنگامی که سازمان فدائی در کجراه دفاع از رژیم جمهوری اسلامی پا نهاد علت انشعاب جریان شانزده آذر از سازمان اکثریت آن بود که چرا دفاع سازمان اکثریت از رژیم اسلامی تاکتیکی است و نه استراتژیک. اما آیا حمایت تاکتیکی اکثریت تفاوتی با حمایت استراتژیک شانزده آذر داشت؟ در این زمینه ما در نوشته های قبلی اطلاعیه روشنگر جنبش فدرال دمکرات آذربایجان را یادآوری کردیم که به مدت ده سال عضو "کنگره ملیت های ایران فدرال" بوده و آن را در پائین به صورت ضمیمه آورده ایم. آیا رفقای سازمان راه کارگر درستی و صحت این اعلامیه را تأیید میکنند و یا آن را نادرست و اتهام میدانند؟

اتحاد عمل با متحدین ملک سلمان، نتانیاهو و ترامپ تاکتیک نیست. تاکتیکی که با بهم ریختن صف کارگران با بورژوازی، آزادی و دمکراسی با استبداد، انقلاب با ضد انقلاب و سوسیالیسم با سرمایه داری اتخاذ شود به هیچ وجه به سطح تاکتیکی محدود نمی ماند بلکه همزمان نقض صریح استراتژی و برنامه سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی برای جایگزین کردن آن با بدیل سوسیالیستی است.

این نوع اتحاد عمل ها مجاز است و البته حق اعضای شورا برای انتقاد نیز محفوظ. اما روابط عمومی سازمان راه کارگر پس از چیدن این مقدمات بالاخر حرف اصلی خود را میزند. آن چه که رفقای حزب کمونیست ایران انجام داده اند یک همکاری تاکتیکی در کردستان با نیروهای راست است و انتقاد سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به نقض اصول همکاری در پرتو این اتحاد عمل " استقلال



تاکتیکی" این نیروها از جمله حزب کمونیست ایران را زیر علامت سؤال میبرد. پس اولاً، مسئله تنها اتحاد عمل با نیروهای راست؟! در کردستان است ثانیاً، انتقاد روابط عمومی سازمان راه کارگر از این اتحاد عمل آن است که چرا سازمان پژاک در این اتحاد عمل غایب بوده است ثالثاً، اگر هم انتقادی به این اتحاد عمل تاکتیکی وارد باشد نقض اصول شورای همکاری و بیانیه های نشست های آن نیست. همانطور که در بالا گفتیم روابط عمومی سازمان راه کارگر در این جا اولاً، نیروهای جنگ نیابتی و تغییر رژیم را در زیر پوشش نیروهای راست پنهان کرده است. ثانیاً، آن را یک همکاری تاکتیکی تنزل داده است. ثالثاً، آن را نقض اصول همکاری شورا قلمداد نمیکند. اگر قرار باشد که همکاری با حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات، حزب کردستان کومله .... مغایرتی با اصول همکاری شورا نداشته باشد پس "روابط عمومی راه کارگر" و همراه آنها شورای استکھلم و هسته اقلیت باید به همین شکل اتحاد عمل و یا همکاری با شورای ملی مقاومت و باند رجوی، اتحاد عمل و همکاری با رضا پهلوی و شورای سلطنت او و سایر نیروها از همین دست، شرکت در کنفرانسهای نظیر پاریس، استکھلم و پراک - که بخشی اصلی این نیروها را همراه با اصلاح طلبان گرد میآورد را - نباید مغایر با اصول مورد توافق شورا قلمداد کنند و به بهانه استقلال تشکیلاتی اعضای تشکیل دهنده شورا، این نوع همکاری ها را مجاز بشمارند اعم از آن که به نوع اتحاد عمل ها و همکاری ها انتقادی داشته باشند و یا نه، آن را علنی مطرح کنند و یا درونی و در گوشی. با این وصف آیا چیزی از اصول دو گانه تاسیس شورای همکاری، چهار بیانیه و ده ها اعلامیه شورا باقی میماند؟ اصول ژلاتینی سازمان راه کارگر همان کاری را انجام میدهد که حزب کمونیست ایران تلاش داشت و دارد آن را عملی سازد. منضم ساختن شورای همکاری به بهانه تحریم انتخابات به زنجیره نیروهای جنگ نیابتی و بنابراین نفی موضوعیت و هویت رزمنده شورای همکاری به مثابه یک تشکل رزمنده چپ و کمونیستی و متعهد به سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزین کردن آن توسط بدیل سوسیالیستی! بدترین ضربه به جنبش چپ و کمونیستی آن است که به نام کمونیست(حزب کمونیست ایران) تمام قد در کنار نیروهای جنگ نیابتی ایستاده و با آن ها وارد اتحاد عمل شوید زیرا به این شکل بدترین ضربه ممکن را به حیثیت و اعتبار جنبش کمونیستی وارد میسازید( و متأسفانه حزب کمونیست ایران با سیاست خود این ضربه سنگین را به جنبش چپ و کمونیستی ایران وارد ساخته است) و از آن بدتر تلاش کنید تا نیروهای چپ و کمونیستی دیگر را به آن سنجاق کند.

هنگامی که نماینده حزب کمونیست ایران پیش نویس خود را در روز یازدهم آوریل ارائه کرد نماینده سازمان راه کارگر نه فقط بدون هیچ نوع انتقادی به عدم مرزبندی این پیش نویس با نیروهای جنگ نیابتی این پیش نویس را مورد تأیید قرار داد بلکه پیشنهاد کرد که بر مبنای این پیش نویس اتحاد عمل تحریم با سازمان های طیف "از بی بی تا سی سی" مانند حزب کمونیست کارگری و حکمتیست ها و

حتی نیروهای کمونیست فراتر از این دو گسترش یابد؛ که البته با تائید فوری و فوتی نماینده حزب کمونیست ایران مواجه شد. پس از آن و طی تمام دوره ای که ما و نیز تعدادی از نیروها این عدم مرزبندی را برجسته کردیم نماینده رفقای سازمان راه کارگر سیاست سکوت را پیشه کرد. و در مرحله پس از آن هنگامی که حزب کمونیست ایران ناچار شد بخشی نصفه نیمه ای از جمله پیشنهادی ما را برای گرفتن امضاء، به عنوان یک آب نبات چوبی وارد متن خود سازد، نماینده سازمان راه کارگر اعلام کرد که سازمان متبوعش قبل از این اصلاح نیز اعلامیه را امضاء میکرده و راضی به این زحمت ها نبوده است! نماینده حزب کمونیست ایران در آخرین نوشته خود (چهارم مه 2017) باز هم تاکید میکند که نام نیروهای جنگ نیابتی را خط زده است و حاضر نیست با آن ها وارد مرزبندی روشن شود زیرا اکنون بیش از پیش روشن است که با چرخش سیاسی صدوشتاد درجه حزب کمونیست ایران مرزبندی روشن و صریح با این نیروها غیر ممکن است. با این وصف رفقای سازمان راه کارگر حاضرند این پیش نویس را امضاء و با این چرخش حزب کمونیست ایران همراه شوند. برآستی اصول ژلاتینی سر از کجا میآورد؟

پس بگذارید مسئله را به شکل خلاصه برای نتیجه گیری جمع بندی کنیم:

**یکم**، متأسفانه حزب کمونیست ایران به بهانه تحریم انتخابات به اردوی نیروهای جنگ نیابتی پیوسته است به نیروهائی که از حمله نظامی، منطقه پرواز ممنوع دفاع میکنند؛ مبارزه مسلحانه ای را شروع کرده اند که ربطی به مبارزه برای رهائی ملی نداشته بلکه بخشی از جنگ نیابتی مورد حمایت عربستان و اسرائیل و قدرت های امپریالیستی است؛ نیروهائی که از اعضای ثابت همایش هائی نظیر پاریس، استکهلم و پراگ هستند؛ در تشکل هائی نظیر کنگره ملیت های ایران فدرال عضو هستند و ....

**دوم**، علاوه بر آن حزب کمونیست ایران به طور سیستماتیک و فعال تلاش کرده بود قبل از اتحاد عمل مورد اشاره با پنهان کردن حقایق و ارائه اطلاعات نادرست شورا را از طریق یک اعلامیه تحریم، که فاقد مرزبندی با نیروهای جنگ نیابتی بود، به نیروهای جنگ نیابتی سنجاق کند.

**سوم**، این همکاری یک چرخش سیاسی مهم و نقض اصول مورد توافقی است که شورای همکاری بر مبنای آن شکل گرفته یعنی سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ... که هم به اعتبار سیاسی نیروهای چپ و کمونیست لطامات جبران ناپذیر وارد می سازد و هم قبیح همکاری با این نیروها را به دست نیروهای چپ می ریزد. رفقای سازمان راه کارگر، هسته اقلیت و شورای استکهلم در این مورد مشخص موضع شان چیست؟

**چهارم**، قلمداد کردن این چرخش به عنوان یک همکاری تاکتیکی به هیچ وجه وارد نیست زیرا این تاکتیک مستلزم تغییر استراتژی است و در بهترین حالت نشستن در میان دو صندلی است. به نظر ما باید این چرخش مورد نقد جدی نیروهای چپ و کمونیست قرار گیرد و به ویژه از سوی نیروهای شورا که متحد این رفقا به شمار می روند.

**پنجم**، به همین خاطر حزب کمونیست ایران دیگر نه می خواهد و نه می تواند با نیروهای جنگ نیابتی به طور صریح و روشن با ذکر نام این نیروها مرزبندی کند زیرا خود را زندانی این اتحاد عمل ساخته و به خاطر یک دستمال قیصریه را به آتش کشیده است. رفقای سازمان راه کارگر، هسته اقلیت و شورای استکھلم در این مورد چه می گویند؟

**ششم**، از رفقای سازمان راه کارگر، هسته اقلیت و شورای استکھلم می پرسیم چرا از خط زدن نام نیروهای جنگ نیابتی در اعلامیه تحریم حمایت می کنند؟

**هفتم**، سازمان راه کارگر به جای موضع گیری علیه این چرخش سیاسی مسئله را به یک اتحاد عمل با نیروهای راست فروکاسته و مدعی است، که به خاطر استقلال اعضای شورا، نقض اصول بنیادی همکاری برای اعضا مجاز بوده و نمیتواند نقض اصول مورد توافق شورا قلمداد شود. پس بر اساس این منطق و رویکرد (و نیز منطق و رویکرد مطرح شده توسط رفقای هسته اقلیت و شورای استکھلم) نیروهای عضو شورا می توانند با باند رجوی و شورای ملی مقاومت، رضا پهلوی و شورای سلطنت و نیز انواع و اقسام ترامپیست ها همکاری کنند و یا در همایش هائی نظیر پاریس، استکھلم و پراگ شرکت کرده و یا عضو تشکل هائی نظیر کنگره ملیت های ایران فدرال و... باشند بدون آن که مشکلی با عضویت آن ها در شورا و یا اتحاد عمل با آن ها به وجود آید؛ اگر چه رفقا به مواضع مزبور انتقاد داشته و این انتقادات را به شکل علنی مطرح و یا اصولاً از خیر انتقاد بگذرند؟! از رفقای سازمان راه کارگر، هسته اقلیت و شورای استکھلم می خواهیم به طور مشخص به این سؤال پاسخ دهند!

همان طور که در بالا گفتیم به نکات دیگر نوشته رفقای سازمان راه کارگر در نوشته جداگانه ای خواهیم پرداخت.

**ضمیمه :**

**اطلاعیه ی جنبش فدرال دموکرات آذربایجان**

**در رابطه با جدایی از « کنگره ملیت های ایران فدرال »**

۱- جنبش فدرال دموکرات آذربایجان با توجه به اعتقاد عمیق خود به همبستگی خلق ها در ایران بعنوان جزء و شرط تفکیک ناپذیری از آزادی و دموکراسی در کشورمان همواره از خواست های دموکراتیک خلق ها دفاع کرده و در این راستا مبارزه کرده است.

۲- در طی بیش از یک دهه از تاسیس « کنگره ملیت های ایران فدرال»، به دلیل ترکیب متفاوت اعضای تشکیل دهنده آن، و استقلال فردی آنها در پیش گرفتن سیاستی مستقل، بشرط عدم تباین با اصول مصوبه کنگره، در عمل سیاست های نا همگونی بر آن حاکم بوده است. روشن است که ما با برخی از آنها همراه و با برخی سیاست ها و تماس های سیاسی پاره ای از اعضاء همراه نبوده ایم.

۳- اکنون ما شاهد یک چرخش مهم در سیاست های آن هستیم که آنرا بر خلاف مصالح و منافع خلق ها و چشم انداز حرکت بسوی آزادی و دموکراسی در ایران و برخلاف اصول و پلتفورم خود میدانیم.

۴- همانگونه که ما در اطلاعیه اخیر خود تحت عنوان « برای یک ایران دموکراتیک » اعلام کرده ایم، عربستان سعودی در بیش از نیم قرن گذشته، در کانون اصلی سیاست های ارتجاعی در منطقه، حتی ویرانی عده ای از کشورهای عربی، بوده است.

۵- متأسفانه حرکت های اخیر در نزدیکی به عربستان سعودی، و به تعاقب آن آغاز دور جدیدی از مبارزات مسلحانه در مناطق کرد نشین در ایران بعد از بیست سال، نه تنها به سود خلق کرد و جلب افکار دموکراتیک مردم کشور منتهی نخواهد شد، بلکه می تواند با به وحشت انداختن مردم مناطق کرد نشین، مانع گسترش و تقویت جامعه مدنی در کردستان گردد.

۶- به اعتقاد ما، عملیات مسلحانه حزب دموکرات کردستان در داخل ایران، اکنون ماهیتی متفاوت از ایستادگی مسلحانه و دفاع از خود مشروع آن در دوره بعد از انقلاب در برابر یورش ارتجاعی ارتش و سپاه پاسداران را به نمایش می گذارد. این نه جنگ آزادی بخش است و نه پیکار برای دموکراسی، بلکه مشارکت در جزئی از جنگ های نیابتی در منطقه است که عربستان یکی از پایه های اصلی و منبع اصلی تامین مالی این ویرانگری ها است، که موجب مرگ صد ها هزار انسان بی گناه و بی خانمانی ده ها میلیون انسان بوده است. دشمن دشمن من ضروتا در همه موارد و در هر شرایطی، دوست من نیست، و خطر در همین جا لانه کرده است!

۷- سر انجام اینکه، ما ضمن تاکید بر همبستگی خلق ها، به ویژه با توجه به سنت و تاریخ مشترک مبارزات دو خلق کرد و آذربایجان، متأسفانه ادامه ی حضور درون « کنگره ملیت های ایران فدرال» را برخلاف پرنسیب های سیاسی خود می دانیم و خروج رسمی خود از آنرا اعلام می کنیم.

جنبش فدرال دموکرات آذربایجان

۱۰ مهر ۱۳۹۵ برابر با ۱ اکتبر

### نوشته دهم :

نوشته دهم روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

از روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با ۰۷ می ۲۰۱۷

رفقا در این نوشته اولاً، به نکات دیگر مورد نقد رفقای سازمان راه کارگر می پردازیم که نسبت به نوشته قبلی (نوشته نهم) فرعی تر می باشد. آن چه که این رفقا گفته اند عبارت است از: تاکتیک ربطی به شرایط مشخص ندارد، طولانی بودن پیش نویس پیشنهادی ما، پیش نویس ارائه شده توسط حزب کمونیست ایران با توجه به دلایلی که ما مطرح کرده ایم نمی تواند از دستور خارج شود زیرا یک عضو شورا آن را پیشنهاد کرده است.

ثانیاً، جمع بند نقد نهائی مان را به آخرین نسخه پیش نویس حزب کمونیست ایران را طرح میکنیم.

ثالثاً، نسخه نهائی آلترناتیو مان را نیز ارائه می دهیم.

### تاکتیک ربطی به تحلیل مشخص ندارد

در این مورد ما اختلاف روش شناسانه داریم. شما هم مانند حزب کمونیست ایران بر آن هستید که تاکتیک برخاسته از شرایط مشخص زمانی و مکانی نیست و لازم نیست که مهر و نشان و روح زمان را بر خود داشته باشد. این مانند آن است که شما یک نهال را از خاک و زیستگاه حیاتی اش خارج ساخته و آن را از یک اندام زنده به جسمی مرده و بی روح مبدل کنید.

رفقای حزب کمونیست ایران اطلاعیه تحریم شان را در ماه فروردین، قبل از شروع نام نویسی انتخابات، نوشته بودند؛ زمانی که هنوز معلوم نبود آیت الله قتلعام، یا احمدی نژاد وارد انتخابات میشوند یا نه؟ اعلامیه این رفقا را میشد به جز انتخابات اول در جمهوری اسلامی در طی سی و چندسال گذشته کپی کرده و فقط با تغییر تاریخ انتخابات مجدداً انتشار داد.

شما می پرسید که بود یا نبود احمدی نژاد و در کنار او آیت الله قتلعام چه فرقی در انتخابات می گذارد و آیا تاکتیک تحریم را تغییر میدهد یا نه؟ پاسخ شما این است: نه هیچ فرقی میان دوره قبل از نام نویسی؛ مرحله رد صلاحیت ثبت نام شدگان و دست چین نامزدها؛ و این که چه کسانی وارد گود نمایش انتخاباتی میشوند وجود ندارد؛ ما باید عجله کنیم و دعای تحریم را هر چه زودتر به خوانیم! کما این که نماینده شما اولین پیش نویس حزب کمونیست ایران را - که کپی و جا گذاری کلیشه ای اعلامیه شان در دوره قبل از نام نویسی نامزدها بود و هیچ گونه مرزبندی با اردوی تغییر رژیم نداشت - نه فقط صد درصد تأیید کرد بلکه همچنین پیشنهاد کرد که به حزب کمونیست کارگری و دیگران نیز برای جمع آوری امضاء ارسال شود.

از نظر ما این رویکرد به تاکتیک آن را بی اثر، خنثی و غیر موثر می سازد؛ زیرا به خاطر کلیشه ای و بیات بودن قادر نیست با توده های مردم ارتباط برقرار ساخته، آن ها را قانع کرده و به عاملی تاثیر گذار در مبارزه سیاسی مبدل شود. هم ورود شخص رئیسی و هم رد صلاحیت احمدی نژاد از رویدادهای مهم این انتخابات بود. در مورد احمدی نژاد رد صلاحیت او، فردی که دو دوره رئیس جمهوری محبوب رهبر بوده و تقلب انتخاباتی سال 88 به دستور رهبر برای ابقاء او صورت گرفت نشان دهنده این حقیقت است که در انتخاب نامزدها حتی ذوب شدن در ولایت مطلقه فقیه نیز معیار نیست بلکه تنها سلیقه رهبر است که معیار دست چین کرده نامزدها میباشد و این یعنی بی معیاری، مسخره و مضحکه بودن انتخابات، یعنی استبداد مطلقه فردی! آری ورود و رد صلاحیت احمد نژاد نشان دهنده این است که در جمهوری اسلامی مردم حق انتخاب ندارند بلکه فقط رای دهنده هستند و این فاکت و استدلال بسیار مهمی برای تحریم فعال انتخابات است. مسئله ای که در افکار عمومی به شدت مطرح شده است و همچنان سایه آن بر سر این انتخابات است! در مورد ورود آیت الله قتلعام نیز در مورد بالا توضیح دادیم که اکنون بحث داغ شبکه ها و بسیاری از رسانه ها میباشد. بنابراین در این جا تفاوت میان دو رویکرد به تاکتیک و موثر بودن و یا بی اثر بودن آن است.

طولانی بودن پیش نویس پیشنهادی ما.

نسخه نهائی پیش نویس حزب کمونیست ایران حدود هزار کلمه است. ما به نوبه خودمان مشکلی با کوتاه کردن پیش نویس نداریم. پیش نویس ما تلاش کرده است که با آوردن هم فاکت و هم استدلال مخاطب را قانع کند که چرا رای تحریم درست است و باید انتخابات را تحریم کرد. مقایسه اعلامیه اول ماه مه شورا که حدود 1400 کلمه است با پیش نویس تحریم که حدود 2000 کلمه است نشان میدهد که پیش نویس ما چندان طولانی نیست. به ویژه با ورود آیت الله قتلعام به عنوان یکی از کاندیداهای اصلی، مسئله قتلعام زندانیان سیاسی دهه شصت و سال شصت هفت باز هم زنده شده و با توجه به آن که فرمان قتلعام را خمینی صادر کرده است اکنون در بطن نمایش انتخاباتی فرصت بی همتائی در افشاء کانون اصلی قدرت رژیم جمهوری اسلامی پدید آمده که باید آن را به طور منسجم و قوی مطرح کرد. نشان دادن ترازنامه نامزد دیگر یعنی روحانی و شرکاء نیز به همین شکل حائز اهمیت است. مسئله بعدی تاکید بر روی جنبش مطالباتی کارگران و زحمتکشان است که در این پیش نویس برجسته شده است. هیچ کدام از رفقای شورا مخالفتی با فاکت ها و استدلال های پیش نویس ارائه شده توسط ما مطرح نکردند. از جمله در همین نوشته روابط عمومی سازمان شما- زیرا ما این نکات را در بیانیه ها و اعلامیه های دیگر طرح کرده ایم و به بهانه نمایش انتخابات میتوان آن ها را برای قانع کردن مخاطبین اعلامیه تحریم مطرح ساخت. با این وصف ما مخالفتی با کوتاه کردن اعلامیه نداریم.

### چرا پیش نویس حزب کمونیست ایران می تواند و باید این رفقا از دستور خارج شود!

در برابر پیشنهاد ما برای خارج کردن پیش نویس حزب کمونیست ایران به خاطر تقابل آن با اصول حاکم بر شورای همکاری هم رفقای سازمان راه کارگر و هم رفقای شورای استکھلم اعلام کرده اند که پیشنهاد اعضای شورای هماهنگی را نمی توان از دستور رای گیری خارج کرد. اصل مطرح شده توسط رفقا کاملاً درست است مشروط بر آن که پیشنهادی که در دستور کار قرار می گیرد در چهارچوب اصول شورای همکاری باشد و به بیان دیگر اصول حاکم بر شورای همکاری را نقض نکند. اما مورد پیش نویس حزب کمونیست ایران اختلاف بر سر اصول همکاری است. حزب کمونیست ایران این اختلاف را صریحاً در نوشته چهارم مه خود اعلام کرده و تاکید میکند که حاضر نیست به شکل صریح و روشن با نیروهای جنگ نیابتی مرزبندی کند بلکه اصرار دارد که اسم آن ها آن ها خط زده شود.

آیا مواردی بوده است که به خاطر اختلاف اصولی اعلامیه ای از دستور کار شورا خارج شده است؟ جواب مثبت است. این مسئله در ارتباط با کارزار علیه سفر روحانی به فرانسه پیش آمد. رفقای سازمان راه کارگر با اتکاء به "اصول ژلاتینی" شان اطلاعیه ای برای فراخوان کارزار امضاء کرده

بودند که در آن ها لااقل سه اصل مهم مورد اعتقاد نیروهای شورا نقض شده بود که عبارت بودند از: اول، عدم دفاع از اصل آزادی های بی قید و شرط سیاسی ؛ دوم، عدم دفاع از اتحاد داوطلبانه در مسئله ملی؛ سوم، دفاع از مالکیت خصوصی. رفقای سازمان راه کارگر از طریق نماینده شان از اعضای شورا خواسته بود که این فراخوان را امضاء کنند. ما این نقد را برای رفقای شورا ارسال کردیم:

فراخوان برای شرکت در اعتراض علیه سفر روحانی

رفقای هیئت هماهنگی،

رفقای شورای نمایندگان!

با بهترین دروهای رفیقانه!

سفر روحانی به فرانسه فرصت مناسبی است که نیروهای کمونیست و چپ مخالفت خود را با سی و هفت حکومت سرکوب و جنایت نشان دهند. لذا ما پیشنهاد می کنیم که هیئت هماهنگی بسرعت اعلامیه ای برای شرکت در آکسیون های اعتراضی منتشر سازد.

... رفقای سازمان راه کارگر متن فراخوان « کمیته برگزاری کارزار اعتراضی به 37 سال جنایات رژیم جمهوری اسلامی ایران» را برای اطلاع شورای نمایندگان ارسال کرده است. ما ضمن تاکید موکد برای شرکت در حرکت اعتراضی علیه سفر روحانی، با متن این فراخوان مخالف بوده و آن را امضاء نمی کنیم. در متن فراخوان به دموکراسی، جدائی دین از دولت و یک سلسله مطالبات دموکراتیک اشاره شده است اما اولاً، آزادی های بی قید و شرط سیاسی در آن غایب است زیرا مسلم است بخشی از نیروهای تشکیل دهند این کمیته خواهان دموکراسی و آزادی برای من بوده و مانند ما کمونیست ها به برابری در آزادی قائل نیستند. در بخش دفاع از حق تعیین سرنوشت به اتحاد داوطلبانه پرداخته نشده است که نوعی امتیاز به ناسیونالیسم ملیت های تحت ستم است و مهم تر از همه به « رعایت آزادی های مدنی و سیاسی مصرح در منشور جهانی حقوق بشر» اشاره شده است. این منشور، منشور دولت ها می باشد که پس از جنگ جهانی دوم تصویب شد و از جمله در ماده هفده آن آمده است :

ماده ۱۷

1- هر انسانی به تنهایی یا با شراکت با دیگران حق مالکیت دارد.

2- هیچ کس را نمی بایست خودسرانه از حق مالکیت خویش محروم کرد.

ابن با اعتقادات ما کمونیست ها عمیقاً تفاوت دارد زیرا به قول انگلس در اصول کمونیسم، کمونیسم یعنی لغو مالکیت خصوصی ! قابل ذکر است که هنگامی که این منشور تدوین شد نه فقط کشورهای سوسیالیستی و مترقی بلکه حتی حکومت های سوسیال دموکرات نیز آن را امضاء نکردند.



متأسفانه رفقای امضاء کننده این فراخوان که خود را چپ، سوسیالیست و کمونیست می دانند به این واقعیت بديهی توجهی نکرده اند و چنین متنی را امضاء کرده اند که نمی تواند مورد قبول نیروهای چپ باشد. لازم نبود که به خاطر شرکت در یک حرکت اعتراضی کمونیست ها از برخی از اصول اساسی خود کوتاه می آمدند.

رفقای هیئت هماهنگی!

ما پیشنهاد می کنیم که شما متنی را در حمایت از اعتراضات علیه سفر روحانی به عنوان سمبل رژیم جمهوری اسلامی و همه جنایات آن تهیه کرده و حمایت و شرکت ما نیروهای چپ و کمونیست در این آکسیون را اعلام کنید. طبیعی است که در آن صورت ما نیروهای چپ و کمونیست با فراخوان مستقل خود در این اقدام جمعی شرکت می کنیم. امیدواریم که با سرعتی که در ارتباط با موضع گیری هائی نظیر قتل رفیق شاهرخ زمانی و مرگ کوروش بخشنده اعلامیه تنظیم شد این فراخوان با همان روش مختصر و مفید و با سرعت تهیه شود تا شورا تحرک اتحاد را برای مداخله در اعتراضات علیه رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور را به نمایش بگذارد.

بأبهترین دروهای کمونیستی

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)

سه شنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۴ برابر با ۱۰ نوامبر ۲۰۱۵

از پی پیشنهادها ما هیئت هماهنگی این فراخوان را از دستور خارج ساخته و فراخوان دیگری را منتشر کرد که در آن مواضع اصولی شورا مطرح شده بود. در این مورد نیز مسئله از همین قرار است و همانطور که به تفصیل توضیح دادیم پیش نویس شورا درباره تحریم نمیتواند به طور صریح و روشن و بدون هیچ گونه ابهام با نیروهای جنگ نیابتی مرزبندی نکند بویژه در حالی که یکی از اعضای شورا با آن ها وارد اتحاد عمل شده است. با صراحت و بدون ابهام اعلام میکند که قادر به چنین کاری نیست و از شورا می خواهد نام طرفداران حمله نظامی، منطقه پرواز ممنوع و ... را حذف و مرزبندی را گل و گشاد و بی معنی سازد. بنابراین از دستور خارج کردن پیشنهادی که نقض اصول اساسی شورای همکاری به شمار می رود هم اصولی است و هم در گذشته به آن عمل شده است.

\*\*\*\*\*

پیش نویس اولیه حزب کمونیست ایران ( به تاریخ یازدهم آوریل) پس از نقدهای متعدد ما و نیز رفقای دیگر به شکل نهائی در بیست و پنجم آوریل ارائه و از آن تاریخ تغییری نکرده است لذا ما یک بار دیگر نقدمان را به پیش نویس نهائی مطرح می کنیم.

۱- مرزبندی با نیروهای جنگ نیابتی مبهم، کلی، ناقص و غیرقابل قبول است. باید نام این نیروها آورده شود به ویژه این که یکی از اعضای شورا وارد اتحاد عمل بخشی از مهم ترین نیروهای اردوی تغییر رژیم و جنگ نیابتی شده است. امضاء این جمله بندی ناقص به لحاظ سیاسی به معنای آن است که نیروهائی نامبرده در این مقوله قرار ندارند و بدین سان نوعی تطهیر و تبرک آن ها به شمار خواهد رفت.

۲- در پارگراف اول دوم وارد ارزیابی از کسانی می شود که در انتخابات شرکت می کنند که از موارد مورد اختلافی است که شورای همکاری در اعلامیه های تحریم سال ۹۲ و ۹۴ وارد این مورد اختلاف نشده بود. ما پیشنهاد کرده بودیم اگر قرار است وارد این ارزیابی شویم بهتر است عین فرمول بندی بیانیه سیاسی نشست چهارم را بیاوریم.

۳- فرمول بندی غلط دیگر طرح انتخاب میان بد و بدتر است. توضیح انتخابات با انتخاب میان بد و بدتر همسان کردن استبداد فاشیستی رژیم اسلامی با دموکراسی های لیبرال است. در دموکراسی های لیبرال حق انتخاب وجود دارد اما به خاطر فقدان آلترناتیو مردم در برابر انتخاب میان بد و بدتر قرار می گیرند (مانند اکنون در فرانسه که انتخاب میان ماکرون و لوپن مطرح است). این در حالی است که در جمهوری اسلامی اصولاً حق انتخاب وجود ندارد تا انتخاب میان بد و بدتر مطرح باشد چرا که نمایش یا مضحکه انتخابات مراسم بیعت با استبداد مطلقه است نه چیز دیگر.

۴- مطالب مطرح شده در این اعلامیه کلی است؛ فاقد روح زمانه است؛ می توانست در چند دهه گذشته عیناً کپی و منتشر شود و بنابراین فاقد قدرت اثرگذاری و قانع کردن مخاطب است.

۵- تاکید بر عروج و رشد جنبش کارگری و زحمتکشان در چند سال اخیر و ضرورت اتکاء توده کار و زحمت به این جنبش و ارتقاء آن به عنوان راه اصلی رهائی مطرح نشده است.

\*\*\*\*\*

در پایان باز هم تاکید میکنیم که مسئله اصلی اختلاف در مرزبندی صریح و روشن با نیروهای وابسته به قدرت های ارتجاعی منطقه ای و جهانی است که با انتخاب ترامپ و تقویت موضع عربستان و اسرائیل بازار نیروهای جنگ نیابتی را رونق بخشیده است. در چنین موقعیتی افشاء صریح و شفاف این نیروها برای انزوا آن ها باید یکی از وظائف همیشگی و تعطیل ناپذیر شورا باشد. هر نوع تسامح و سازش در این عرصه نقض آن اصول همکاری است که شورای همکاری بر مبنای آن تشکیل شده است. همان طور که گفتیم ما مخالفتی با کوتاه کردن پیش نویس نداریم بنابراین آلترناتیویمان را در

همان اندازه پیش نویس رفقای حزب کمونیست ایران در زیرمی آوریم. این پیش نویس با خود روح و مهر زمان را دارد؛ مرزبندی روشنی با همه جناح های بورژوائی ترسیم می کند؛ تاکید اصلی آن بر روی جنبش در حال عروج طبقه کارگری و بخش های گوناگون جنبش کارگری است و به توده کار و زحمت با صراحت اعلام می کند که بازی ها و مضحکه انتخاباتی بلکه تقویت و ارتقاء این جنبش سنگ بنا و کلید اصلی سرنگونی انقلابی و بنای آلترناتیو سوسیالیستی رای رهائی است.

### اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در مورد انتخابات فرمایشی رژیم جمهوری اسلامی

قرار است دوازدهمین دوره مضحکه انتخابات ریاست جمهوری، "انتخابات" میان دوره ای مجلس شورای اسلامی و همچنین "انتخابات" شوراهای اسلامی شهر و روستا در روز ۲۹ اردیبهشت ۹۶ در ایران برگزار شود.

انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی پرده ساتری بر ماهیت و ساختار استبداد مطلقه و اختیارات نیمه خدائی قانونی (ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی) و عملی ولی فقیه و دستگاه رهبری است که کلیه مواضع کلیدی قدرست سیاسی و قوای قهریه را به صورت انحصاری، غیرانتخابی و مادام العمر در اختیار داشته و به هیچ کس و هیچ نهادی پاسخگو نیست. نهادهای انتخابی رژیم جمهوری اسلامی همه ضمیم بی اختیار و اقتداری هستند که در برابر قانون اصلی و غیرانتخابی قدرت از هیچ نوع اختیاراتی برخوردار نیستند. اما همین نهادهای فاقد قدرت، اختیار و کارکرد نیز صرفاً به عناصر دست چین شده جناح های وابسته به رژیم اسلامی یا خودی ها اختصاص دارد و از طریق شورای نگهبان تحت امر رهبری راه ورود به آن ها نه فقط برای مخالفان رژیم از هر نوع و از جمله افراد مستقل بسته است بلکه از میان خودی ها نیز بنا بر مصلحت دستگاه رهبری تنها افراد محدودی میتوانند وارد رقابت شوند.

در این انتخابات نیز از میان هزار ششصد داوطلب ثبت نام شده تنها شش نفر نامزد مرد دست چین شده توسط رهبر که به دو گروه اعتدال گرا و اصول گرا تعلق دارند برای انتخابات معرفی شده اند که در میان آن ها دو چهره اصلی رئیسی و روحانی دو جناح رژیم را نمایندگی میکنند.

ورود رئیسی یا آیت الله قتلعام به صحنه انتخابات افشاگر ماهیت و ساختار جنایتکارانه رژیم اسلامی و بازی های انتخاباتی آن میباشد. رئیسی به مثابه یک قاتل حرفه ای در تمامی دوره های حیات رژیم جمهوری اسلامی از مسئولین درجه اول و مجریان مستقیم کشتارها و قتلعام های رژیم جمهوری

اسلامی بوده است و با ورود او شیخ قتلعام ها بر فراز فضای سیاسی کشور به حرکت در آمده است. اما عملکرد روحانی رئیس جمهور کنونی نیز که نامزد برای دور دوم ریاست جمهوری است ریزگردهای خوزستان، سیل های سیستان و بلوچستان و آذربایجان، خشک شدن دریاچه ها، رودخانه ها و تالاب های کشور در کنار هوای آلوده کلان شهرها، وضعیت نگران کننده معیشت کارگران که ماه ها حقوق شان پرداخت نمی شود ... را در ترازنامه خود دارد. فاجعه پلاسکو و نیز فاجعه مرگ معدن چیان آزاد شهر، بزرگترین سانحه مرگبار معدن کشور، نیز عملکرد مشترک همه جناح های رژیم جمهوری اسلامی در قتل عمد کارگران است که مانند همه موارد بالا در مناظره های مهندسی و هدایت شده نامزدهای دست چین شده نباید به ریشه های واقعی و مسئولین آن پرداخته شود.

در چنین شرایطی است که بخشی از اپوزیسیون بورژوازی درون و بیرون از حاکمیت و رسانه های وابسته به آنها که هراس شان از جنبش انقلابی و خیزش و انقلاب مردم کمتر از بیت رهبری و "اصولگرایان" نیست در همراهی با جناح های حکومتی می کوشند با توجیهات و بهانه های واهی بخشی از مردم را به "امید" بهتر شدن اوضاع به انتخاب میان به اصطلاح گزینه "جناح بهتر" در برابر "جناح بدتر" به پای صندوق های رای کشانده و عملاً به بقای رژیم جمهوری اسلامی مانند همیشه یاری رسانند. این بخش از اپوزیسیون تلاش میکند با تبلیغ این توهم که در برابر استبداد، هیچ راهی جز سرفروود آوردن در برابر دستگاه حاکم، بازی در بساط نمایش انتخاباتی به امید واهی بهتر شدن اوضاع وجود ندارد، جنبش توده ای و انقلابی را خلع سلاح سازد. این در حالی است که چاره رهایی مردم ایران نه گرفتار شدن در دور باطل انتخاب میان این یا آن جناح فاشیسم مذهبی، که مردم ایران در طول چند دهه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی ترازنامه فاجعه بار آن ها را تجربه کرده اند، بلکه در هم شکستن کلیت استبداد حاکم همراه با همه جناح ها رنگارنگ آن به عنوان اولین گام در پیکار برای رهایی است.

بخشی دیگر از اپوزیسیون نیز نظیر باند رجوی، احزابی نظیر حزب دمکرات کردستان ایران و نظائر آن ها، رضا پهلوی و شورای سلطنت، نویسندگان نامه سی نفر به ترامپ.... و تمامی اردوی رنگارنگ تغییر رژیم که به قدرت های امپریالیستی و در راس آن ها حکومت ترامپ و نیز ارتجاع منطقه نظیر عربستان، اسرائیل و شرکاء آویزان شده اند خواهان تحریم و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند اما آن ها خواه ناخواه یا هموار کننده نظام استبدادی و سرکوبگر دیگری هستند که نمونه شاخص آن را مردم ایران در طول پنجاه سال حکومت پهلوی تجربه کرده اند- و بی تردید نظام جمهوری اسلامی نیز فرزند خلف آن میباشد- و یا پیامد عملکرد شان ویرانی کامل کشور در آتش و خون جنگ های منطقه ای و فرقه ای بی پایان است که شاهد آن اوضاع کشورهای در حال سقوط و از هم پاشی نظیر

افغانستان، عراق، سوریه، لیبی و یا یمن میباشند. بنابراین سرنگونی مورد نظر این نیروها نه انتقال قدرت سیاسی به اکثریت مردم بلکه انتقال قدرت از اتجاعی حاکم به ارتجاع ضدمردمی و خطرناک دیگری برای آینده کشور است.

کارگران، زحمتکشان، مردم آزاده ایران!

دردو سال گذشته شما پیکار برای مطالبات پایمال شده تان را به شکل چشم گیری گسترش داده اید. اعتراضات و اعتصابات روزانه کارگری، اعتصابات سراسری معلمان، پرستاران، بازنشستگان کشوری و لشکری، دستفروشان، کولبران، زنان و اقلیت های ملی و مذهبی تحت تبعیض و ستم ایران... جلوه هائی از ارتقاء جنبش مطالباتی شما بوده است. تنها ادامه وحدت و تشکیلات و گسترش شبکه ها و تشکل های توده ای در همه عرصه های زیست و کار و ارتقاء همبسته پیکارهای شما میتواند راه رهائی واقعی از جهنم رژیم جمهوری اسلامی را در مسیر مبارزه برای آن نوع از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی قرار دهد، که حاصل آن به دست گرفتن سرنوشت و قدرت سیاسی توسط شما اکثریت مردم ایران است. نمایش انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی که اکنون شبیح قتلعام های رژیم جمهوری اسلامی و فاجعه هائی مانند پلاسکو و قتل عمد کارگران در معدن آزاد شهر... بر سر آن درحال حرکت است هیچ چیزی جز ادامه وضعیت اسفبار کنونی نصیب شما اکثریت مردم نخواهد ساخت. با تحریم انتخابات با نرفتن به پای صندوق های رأی و شعار "نه به مضحکه انتخاباتی رژیم" نمایش انتخاباتی رژیم را به هر شکل ممکن و موثر با شکست مواجه سازید. راه رهائی شما اکثریت مردم ایران، سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست خود شما و تلاش و مبارزه برای جایگزینی بدیلی سوسیالیستی است که آزادی، دموکراسی و برابری واقعی را از طریق حاکمیت اکثریت برای اکثریت و به دست اکثریت ممکن میسازد.

**نه به انتخابات فرمایشی رژیم**

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری اسلامی ایران**

**زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

**موخره:**

همان گونه که در مقدمه این مجموعه مطرح شد در جریان یک ماه بحث بر سر سیاست حزب کمونیست ایران در پیش برد یک اتحاد عمل موازی، همه جوانب و ابعاد سیاست حزب به بحث نهاده شده است. این اولین بار نیست که حزب کمونیست ایران تلاش کرده است "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" را به تابعی از سیاست های خود در رقابت و یا سازش با نیروهای سیاسی کردستان

مبدل سازد. یک مورد مهم دیگر در این عرصه اعلامیه پیشنهادی ما در محکوم کردن اعدام های رژیم در کردستان بود. ما در پیشنهاد مان خواهان آوردن نامه شهدای اعدام شده بودیم که شامل پیشمرگان و فعالین سازمان کومله زحمتکشان کردستان و پژاک بودند. اما در حالی که نه فقط سازمان های مربوطه (که اعلامیه های آن ها را برای اطلاع شورا ارسال کردیم) بلکه منابع بی شماری از وزارت خارجه دولت آلمان گرفته تا سازمان عفو بین الملل وابستگی سازمانی، سیاسی و عقیدتی اعدام شدگان را منتشر ساخته بودند نماینده حزب کمونیست ایران خواهان حذف نام این سازمان ها به بهانه معتبر نبودن منابع خبری و محکوم کردن اعدام شدگان بدون نام بردن از وابستگی سازمانی آن ها شد. این موضع حزب کمونیست ایران نشان داد که نه فقط رقابت ها و منافع فرقه ای حزب در ارتباط با تشکل های کرد به اصول اساسی اعتقادی سوسیالیست ها نظیر دفاع از آزادی های بی قید و شرط اولویت دارد بلکه حزب تلاش می کند تا "شورای نمایندگان نیروهای چپ و کمونیست" را به ضمیمه این نوع رقابت ها مبدل سازد.

در ارتباط با برخورد به تلاش های نماینده حزب کمونیست ایران، یکی از اعضای هیئت نمایندگی ما در شورای نمایندگان، این یادداشت را در نقد خطاب به رفقای شورا ارسال کرد:

حذف هویت سازمانی اعدام شدگان ( تا آن جایی که هویت های روشن بوده و بخشاً توسط تشکل های مربوطه نیز اعلام گشته) شده است کدام هدف را تعقیب می کند. سوال این است که دلیل حذف یا در حقیقت سانسور بخشی از هویت اعدام شدگان، چیست؟ چرا ما می خواهیم هویت سازمانی اعدام شدگان را- که دقیقاً به خاطر فعالیت در کادر تشکیلاتی مشخص اعدام شده اند- به پوشانیم؟ آیا عدم نام بردن از وابستگی عقیدتی سازمانی آن ها به خاطر آن است که چون با عقاید و مشی سیاسی این سازمان ها اختلاف داریم؛ و بنابراین حاضر نیستیم اعدام فعالین آن ها را محکوم کنیم؛ و بنابراین صرفاً به برخورد حقوق بشری اکتفاء می کنیم؟ و یا نه دلائل دیگری برای این سانسور وجود دارد که برای ما روش نیست؟ آیا مثلاً اگر یکی از رفقای اتحاد هم اعدام شود همین روش را در محکومیت اعدام او به کار خواهیم گرفت و یا نه هویت و وابستگی سازمانی اش را در اعلامیه های سازمانی و جمعی را مطرح خواهیم کرد؟

صرفنظر از این که دلیل این خودداری چه باشد و بر مبنای کدام منطق توجیه شود سؤال مهم تر این است که بازتاب بیرونی این رویکرد در میان مخاطبین ما چه خواهد بود؟ اولین بازتاب این روش برخورد آن خواهد بود که مخاطبین ما را به این نتیجه می رساند که کمونیست ها به خاطر اختلافات سیاسی هویت سازمانی اعدام شدگان را حذف کرده اند. **زیرا هر کسی می داند که این تجمع سیاسی**

## چپ شاید بهتر از هر نیرو و تجمع سیاسی دیگر از هویت عقیدتی، سیاسی و سازمانی اعدام شدگان مطلع می باشد و واقعیت نیز همین است.

و مهم تر از آن بلافاصله نتیجه بعدی استنتاج خواهد شد که این ها فقط خودشان را قبول دارند و محکوم کردن زندان و اعدام صرفاً از این زاویه است که این مجازات ها دامن آن ها را نگیرد. البته روشن است که رفیق نماینده حزب کمونیست ایران خواهد گفت به آزادی های بی قیدوشرط سیاسی اعتقاد دارد و ... اما آن چه که از این رویکرد روشن می شود آن است که لااقل حرف و عمل در این جا در یک تناقض مهم گرفتار آمده اند. به قول روزا لوگزامبورگ آزادی یعنی آزادی مخالفان زیرا آزادی صرفاً برای موافقان و متحدان معنائی ندارد. یا برای مثال اگر رژیم یک مجاهد، سلطنت طلب و یک مسلمان گرویده به مسیحیت در ایران را اعدام می کند ما نباید اعدام آن ها را با ذکر مشخص هویت فکری و سیاسی شان محکوم کنیم؟ به نظر ما سانسور هویت فکری- سازمانی اعدام شدگان پوشاندن حقیقت از موضعی نادرست و غیرقابل توجیه است که تنها حاصل آن لطمه زدن به نیروهای سوسیالیستی است. ما باید همه حقیقت را بگوئیم: بگوئیم که رژیم جمهوری اسلامی دشمن آزادی، دشمن همه افکار و عقاید و تشکل ها مخالف از هر منظر و رنگین کمان سیاسی است و این دقیقاً آن نکبتی است که ما هر گام پیشرفت در جامعه مان را در گرو سرنگونی کلیت آن می دانیم. با نشان دادن تنوع طیف های سیاسی که آماج دستگاه سرکوب رژیم جمهوری اسلامی هستند ماهیت استبدادی رژیم جمهوری اسلامی هر چه بیشتر آشکار و افشاء می شود.

نکته دوم یک واقعیت غیرقابل انکار در سالیان اخیر است و آن این که روش های دستگیری، شکنجه ، شرایط عمومی زندان، محاکمه و اعدام فعالین مناطق ملی با زندانیان سیاسی تهران قابل مقایسه نیست. درست است که در زندان های تهران هم ما با ماشین جهنمی سرکوب مواجه هستیم اما هم تعداد اعدام ها، هم شرایط و امکانات زندان ها با مناطق ملی قابل مقایسه نیست. این امر نشان دهنده وحشت رژیم از جنبش ملل تحت ستم ایران و تشدید خشونت، شکنجه و اعدام است. اطلاعیه، سرکوب را به طور عمومی در همه نقاط ایران توصیف کرده ولی از توضیح ویژه گی فوق العاده خشن سرکوب در مناطق ملی خوددای کرده است.

از سوی هیئت نمایندگی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)

سه شنبه ۵ اسفند ۱۳۹۳ برابر با ۲۴ فوریه ۲۰۱۵

پس از مبادله ایمیل ها و ارسال اسناد روشن شد که رویکرد دفاع از آزادی های بی قیدوشرط سیاسی نه بر مبنای دفاع از یک اصل بلکه تابع منافع سازمانی و سازش هائی است که حاصل آن پایمال کردن اصل دفاع قاطع از آزادی های بی قیدوشرط سیاسی است .

در نهایت روابط عمومی سازمان ما با انتشار اطلاعیه ای در درون شورای نمایندگان خواهان حذف امضاء ما شد. دربخشی از این اطلاعیه آمده بود:

از روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)

جمعه ۸ اسفند ۱۳۹۳ برابر با ۲۷ فوریه ۲۰۱۵

با تشکر از رفقای هیئت هماهنگی برای تهیه اعلامیه، **لطفاً امضاء ما را از زیر اعلامیه حذف کنید.**

**دلایل ما برای حذف امضایمان به قرار زیر است:**

اولاً، هویت سازمانی چهار نفر از اعدام شدگان به طور آگاهانه حذف شده است. این به معنای عدم پذیرش اولین ترین و بدیهی تری اصل آزادی های سیاسی یا آزادی بی قیدوشرط سیاسی است که یکی از الزامات آن محکوم کردن صریح نقض آزادی برای دیگران از جمله مخالفان سیاسی و عقیدتی ما می باشد. اعلامیه با حذف هویت سیاسی اعدام شدگان که دقیقاً به خاطر همین تعلقات سیاسی و عقیدتی اعدام شده اند( و سازمان های وابسته به آن ها به صراحت وابستگی سازمانی آن ها را اعلام کرده اند) عملاً عدم اعتقاد خود به آزادی های بی قید و شرط سیاسی را در عرصه عمل اعلام کرده است. برای سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر) که به طور پیگیر از سنت مارکسی دفاع از آزادی های بی قیدوشرط سیاسی دفاع می کند این نوع نقض اصول پایه ای آزادی ها غیرقابل پذیرش است .

ثانیاً، چون این اعدام ها متوجه ملیت های تحت ستم ایران است، فرمول بندی مورد توافق از سند نشست دوم،"دفاع از حق تعیین سرنوشت ملیت های تحت ستم ایران و اتحاد داوطلبانه آن ها" که در پیش نویس اعلامیه آمده بود بدون هیچ نوع توضیح قانع کننده ای حذف شده و فرمول بندی مبهم " مطالبات عادلانه ملیت های تحت ستم ایران" جایگزین آن شده است. ذکر فرمول بندی مورد توافق عمومی نشست دوم از آن جا لازم بود که با نیروهای شونیستی که ظاهراً مخالف جمهوری اسلامی هستند ولی سرکوب فعالین مناطق ملی ایران را به نام دفاع از تمامیت ارضی تائید می کنند، مرز روشنی ترسیم می کرد



ثالثاً، اشاره به شدت سرکوب ها به ویژه در مثلث کردستان، بلوچستان و خوزستان باز به دلایل غیرقابل توجیه حذف شده است. این در حالی است که در اعلامیه مورخ نوامبر ۱۰، ۲۰۱۳ به امضاء ۲۱ جریان تحت عنوان "اطلاعیه مشترک بیست و یک حزب، سازمان و نهاد چپ و کمونیست برای متوقف کردن ماشین سرکوب و اعدام رژیم جمهوری اسلامی متحد شویم!" در اعتراض به اعدام های گروهی در مناطق مزبور است .

بهر حال به نظر ما اگر چه نکته سوم درست در مقابل حقایق موجود و اعدام های گروهی و فله ای در مثلث کردستان، بلوچستان و خوزستان است(امری که نشست در اعلامیه های قبلی خود نیز بر آن ها مهر تأیید نهاده) اما وجود این نقض مانع امضاء سازمان ما نمی شد. اما مورد اول و در ادامه آن مورد دوم نیز به عنوان مکمل مورد اول، در شمار دلالتی است که موجب می شود که ما از تأیید این اعلامیه صرف نظر کنیم .

بهر حال از نظر ما این اعلامیه موردی بوده است که به مثابه محک بسیار مهمی برای داوری درباره اعتقاد به آزادی های بی قیدوشرط سیاسی، اعتقاد یا عدم اعتقاد به آزادی برای دیگران و مخالفان عمل کرده است و آئینه تمام نمائی است که تفاوت گفتار و کردار را عیان ساخته است .

از آن جا که اعتقاد به آزادی های بی قیدوشرط سیاسی یکی از پایه های مهم و حیاتی برای شکل دادن به بدیل سوسیالیستی است ما پیشنهاد می کنیم که در این مورد بحث علنی از سوی هیئت هماهنگی سازمان داده شود تا درباره جوانب آن تبادل نظر و گفتگو صورت گیرد. ما اعلام می کنیم که حاضریم در این مباحثات شرکت کنیم و در صورت لزوم می توان کلیه مبادلاتی که در باره این اعلامیه صورت گرفته به شکل علنی به عنوان مقدمه این بحث منتشر ساخت .

با تشکر مجدد از تلاش های هیئت هماهنگی برای حضور فعال نشست در رویدادهای سیاسی

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اعلامیه منتشرشده توسط شورا با حذف هویت سازمانی، سیاسی و عقیدتی اعدام شدگان در ضمیمه آورده شده است.

در تند پیچ های مبارزه و تحولات سیاسی است که جانمایه سیاست های هر جریان سیاسی اجباراً با وضوح هر چه تمام تر آشکار شده و در معرض قضاوت همگانی قرار می گیرد. ما اکنون در چنین تندپییجی قرار داریم. همان طور که چند بار در سلسله نوشته هایمان گفته ایم انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا قطب های ارتجاع هم پیمان منطقه ای آمریکا نظیر عربستان و اسرائیل و همراه با آن ها اردوی نیروهای ایرانی "تغییر رژیم" و جنگ نیابتی را برای پیش برد سیاست هاشان ترغیب و

جسورتر ساخته است و ضرورت مرزبندی با شفاف با این سیاست ها برای شکل دادن قطب نیروهای چپ هر چه بیشتر به یک وظیفه مبرم مبدل شده است

در پرتو این شرایط است که اکنون به مدت یک ماه تمام ابعاد گوناگون مسئله این اتحاد عمل به طور کامل به بحث نهاده شده است و هیچ عضو شورای همکاری نمی تواند ادعا کند که از چند و چون مسئله و یا ابعاد آن مطلع نبوده است. صورت مسئله کاملاً روشن بی ابهام و انتخاب در کدام سو؟ یک انتخاب با همه عواقب سیاسی آن است.

\*\*\*\*\*

ضمیمه: اعلامیه محکوم کردن اعدام ها با حذف هویت سیاسی، سازمانی و عقیدتی اعدام شدگان!

### اعدام زندانیان سیاسی و عقیدتی توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

بر اساس گزارشات انتشار یافته‌ی تاکنونی، رژیم جمهوری اسلامی ایران، رژیم جنایت، شکنجه و اعدام، سامان نسیم، علی و حبیب‌الله (رزگار) افشاری، یونس آقایان، سیروان نژادی و ابراهیم شاپوری (عیسی‌پور) زندانیان محبوس در بند ۱۲ زندان مرکزی ارومیه را اعدام کرده است. به خاطر اعتراضات گسترده جهانی علیه اعدام سامان نسیم که در سن هفده سالگی دستگیر شده بود رژیم جمهوری اسلامی به طور رسمی اعلام نکرده و برای فرار از پاسخگویی، اقدام جنایتکارانه خود را در پرده‌ای از ابهام قرار داده است.

نظام قضائی رژیم جمهوری اسلامی بر مبنای خشن‌ترین اشکال سرکوب فاشیستی بنیان نهاده شده است. دستگیری و شکنجه‌های قرون وسطائی، پرونده‌سازی‌های واهی، بی‌حقوقی کامل زندانیان سیاسی، دادگاه‌های قلبی و فرمایشی، عدم دسترسی متهم به وکیل مدافع و حداقل شرایط یک محاکمه عادلانه، قطع ارتباط زندانیان با خانواده‌ها در طول زندان، اعدام‌های گسترده و از جمله اعدام جوانانی که زیر سن قانونی قرار دارند از جمله مشخصات ثابت و همیشگی دستگاه کشتار جمهوری اعدام و جنایت اسلامی بوده است.

فعالان سیاسی زندانی، که برای مطالبات عادلانه ملیت‌های تحت ستم ایران مبارزه می‌کنند، به‌مانند فعالین سایر جنبش‌های اجتماعی، در معرض شدیدترین و خشن‌ترین اشکال سرکوب ماشین کشتار رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند و اعدام و سرکوب آن‌ها به منظور ارباب جامعه و به عقب نشاندن فعالین این جنبش‌ها از خواست‌های عادلانه‌شان است.

ما موج اخیر اعدام‌ها را قویاً محکوم کرده و خواهان الغاء مجازات اعدام و آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری زندانی و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم. ما از همه وجدان‌های آگاه و مردم آزاده ایران می‌خواهیم که با شعارهای «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «ترور، شکنجه، اعدام، ملغا باید گردد» به مقابله با دستگاه کشتار رژیم جمهوری اسلامی برخیزند.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

جمعه ۸ اسفند ۱۳۹۳ برابر با ۲۷ فوریه ۲۰۱۵

امضاءکنندگان بترتیب حروف الفبا:

- ۱- اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور
- ۲- اتحاد چپ سوسیالیستی ایرانیان
- ۳- اتحاد فدائیان کمونیست
- ۴- پیوند در خدمت کمونیست های ایران
- ۵- حزب کمونیست ایران
- ۶- حزب کمونیست ایران (مارکسیست- لنینیست- مائوئیست)
- ۷- سازمان راه کارگر
- ۸- شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران- استکهلم
- ۹- شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه- هامبورگ
- ۱۰- کمیته بین‌المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران- ناظر
- ۱۱- کمیته جوانان بلژیک
- ۱۲- کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران- فنلاند
- ۱۳- کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
- ۱۴- کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در ایران - مونترال، کانادا
- ۱۵- هسته اقلیت
- ۱۶- کمیته حمایت از مبارزات جنبش کارگری ایران- دانمارک

